

بررسی رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران

میر سجاد مسجد موسوی^۱

احمد ذبیحی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

در سال‌های اخیر، شفافیت مالی به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی مطلوب در نظام‌های بانکی، توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه میان سطح شفافیت مالی بانک‌ها و میزان جذب سرمایه در نظام بانکی ایران طی یک دوره زمانی مشخص است. در این راستا، ابتدا شاخص‌های کلیدی شفافیت مالی شامل میزان افشای اطلاعات مالی، کیفیت گزارشگری مالی و سطح پاسخگویی مدیریتی استخراج و در قالب یک مدل مفهومی عملیاتی‌سازی شده‌اند. سپس با استفاده از داده‌های تابلویی^۱ مربوط به بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر این متغیرها بر شاخص جذب سرمایه (شامل رشد سپرده‌ها، افزایش سرمایه و جذب منابع مالی جدید) مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار میان شفافیت مالی و جذب سرمایه در بانک‌های مورد بررسی است. به عبارت دیگر، بانک‌هایی که سطح بالاتری از شفافیت اطلاعاتی را ارائه می‌دهند، در جذب سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران موفق‌تر عمل کرده‌اند. این نتایج بر اهمیت سیاست‌گذاری در جهت تقویت سازوکارهای افشا، نظارت و استانداردسازی گزارشگری مالی در سیستم بانکی ایران تأکید دارد.

واژگان کلیدی

شفافیت مالی، جذب سرمایه، افشای اطلاعات، نظام بانکی ایران، گزارشگری مالی

۱- استادیار، دانشکده مالی و حسابداری، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران. Sajjad.Mousavi@Gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ناپیوسته - رشته مدیریت مالی، دانشکده حسابداری و مالی، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران،

ایران. Ahmad.zabihi.1402@gmail.com

بخش اول : مقدمه

۱-۱ : اهمیت و ضرورت موضوع

شفافیت مالی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی حکمرانی مطلوب در نظام‌های اقتصادی مدرن، نقش بسزایی در ارتقاء اعتماد عمومی، کاهش ریسک اطلاعاتی، و بهبود کارایی بازارهای مالی ایفا می‌کند. در نظام بانکی، این مفهوم به طور خاص با میزان افشای اطلاعات دقیق، به موقع و قابل اتکا در گزارش‌های مالی و عملیاتی بانک‌ها گره خورده است؛ افشایی که می‌تواند در تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران نهادی و سایر ذی‌نفعان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱).

در بازارهای نوظهور مانند ایران، مسئله شفافیت مالی اهمیتی دوچندان می‌یابد. به دلیل کم‌عمقی بازار سرمایه، ضعف ساختاری در نظارت مالی، و نبود رقابت کامل در نظام بانکی، هرگونه ضعف در افشای اطلاعات می‌تواند منجر به عدم تخصیص بهینه منابع، افزایش هزینه سرمایه و کاهش اعتماد عمومی شود. در این میان، بانک‌ها به عنوان واسطه‌گران اصلی مالی، نقشی حیاتی در جذب سرمایه و هدایت آن به بخش‌های مولد اقتصاد دارند. در نتیجه، شفافیت مالی در عملکرد بانک‌ها نه تنها در سطح بنگاه، بلکه در سطح کلان اقتصادی نیز اثرگذار است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۸).

بررسی‌ها نشان داده است که میان سطح شفافیت اطلاعاتی و توانایی بانک‌ها در جذب منابع مالی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد؛ به طوری که بانک‌هایی با افشای شفاف‌تر، موفق‌تر در جذب سپرده‌های جدید، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش سرمایه از بازار سرمایه عمل کرده‌اند. این رابطه به ویژه در کشورهایی با ضعف در نظام نظارتی و حقوق مالکیت، قوی‌تر ظاهر شده است (جلیلی و رضایی، ۱۳۹۷).

با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران، که با چالش‌هایی نظیر نوسانات ارزی، تحریم‌های بین‌المللی و کاهش سرمایه اجتماعی مواجه است، اهمیت شفافیت مالی در تقویت اعتماد عمومی به نظام بانکی و تسهیل فرآیند جذب سرمایه، بیش از پیش برجسته شده است. از این رو، بررسی تجربی رابطه میان سطح شفافیت مالی و میزان جذب سرمایه در بانک‌های ایران، می‌تواند ضمن کمک به درک بهتر سازوکارهای اثرگذار، مبنایی برای تدوین سیاست‌های کارآمدتر در حوزه افشای اطلاعات و بهبود حکمرانی مالی فراهم آورد (نجف پور و فرخی، ۱۳۹۹).

۱-۲ : بیان مسئله و لزوم تحقیق

نظام بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تامین مالی در اقتصاد هر کشور، در جذب و تخصیص بهینه منابع نقش کلیدی ایفا می‌کند. در این میان، جلب اعتماد عمومی و ترغیب سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران برای سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، نیازمند وجود سطح مناسبی از شفافیت اطلاعاتی و عملکردی است. شفافیت مالی، از طریق افزایش قابلیت اطمینان و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی میان بانک و ذی‌نفعان، می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی، کاهش هزینه سرمایه و افزایش اعتماد در نظام بانکی منجر شود. با این حال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، سطح افشای اطلاعات مالی در بانک‌ها هنوز با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد و این مسأله می‌تواند عملکرد نظام بانکی را از جهت جذب منابع مالی تضعیف کند.

در سال‌های اخیر، با افزایش تنش‌های اقتصادی، نوسانات ارزی و محدودیت‌های بین‌المللی، بانک‌های ایران با چالش‌های متعددی در حوزه جذب سرمایه مواجه بوده‌اند. در چنین شرایطی، یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت

جایگاه رقابتی بانک‌ها و افزایش اعتماد عمومی، ارتقاء سطح شفافیت و پاسخگویی در عملکرد مالی آن‌هاست. با وجود الزامات قانونی مانند آیین‌نامه افشای اطلاعات بانک‌ها و نهادهای اعتباری، تفاوت قابل توجهی میان بانک‌ها در میزان و کیفیت افشای اطلاعات مشاهده می‌شود، که این تفاوت می‌تواند به رفتارهای متفاوت در جذب منابع منجر شود. با وجود اهمیت این موضوع، مطالعات تجربی در زمینه بررسی رابطه میان شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران بسیار محدود است. اغلب پژوهش‌های داخلی یا به صورت نظری به بحث شفافیت پرداخته‌اند یا تمرکز خود را بر پیامدهای کلی شفافیت در بازار سرمایه گذاشته‌اند، در حالی که بررسی دقیق تأثیر افشای اطلاعات مالی بانک‌ها بر متغیرهایی نظیر جذب سپرده، افزایش سرمایه و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران نهادی، همچنان جای خالی قابل توجهی در ادبیات پژوهش داخلی دارد. از سوی دیگر، با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ابزارهای دیجیتال بانکداری، توقع کاربران و ذی‌نفعان از میزان شفافیت بانک‌ها افزایش یافته است. به همین دلیل، بانک‌هایی که نتوانند در ارائه اطلاعات به‌روز، دقیق و قابل اتکا عمل کنند، با ریسک جدی خروج منابع و کاهش اعتبار مواجه خواهند شد. بنابراین، انجام پژوهشی تجربی در این زمینه می‌تواند هم از منظر غنای ادبیات علمی و هم از دیدگاه کاربردی برای سیاست‌گذاری در بانک‌ها و نهادهای نظارتی، گامی مؤثر در شناخت این رابطه و ارائه راهکارهای بهبود آن باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۱).^۱

۳-۱: شکاف تحقیقاتی

تحقیقات زیادی در زمینه رابطه شفافیت مالی و جذب سرمایه در بانک‌ها انجام شده است، اما همچنان بسیاری از جوانب این رابطه در نظام بانکی ایران و کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این امر به دلیل پیچیدگی‌های خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این کشورهاست که موجب می‌شود نتایج مطالعات کشورهای پیشرفته برای آن‌ها به‌طور کامل قابل اعمال نباشد. به‌ویژه در مورد نظام بانکی ایران، مشکلاتی همچون تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های قانونی و نبود اطلاعات دقیق از وضعیت مالی بانک‌ها، باعث شده که میزان شفافیت مالی و تأثیر آن بر جذب سرمایه در این کشور کمتر مورد مطالعه قرار گیرد.

(۱) عدم بررسی تأثیر متغیرهای محیطی بر شفافیت مالی: بسیاری از تحقیقات موجود بیشتر بر روی عوامل داخلی بانک‌ها تمرکز دارند و به تأثیر عوامل محیطی، مانند سیاست‌های اقتصادی دولت، شرایط بین‌المللی و تحریم‌ها، بر شفافیت مالی توجه نکرده‌اند. در حالی که شواهد نشان می‌دهند که این عوامل می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شفافیت مالی بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه ایران داشته باشند. بنابراین، وجود این شکاف تحقیقاتی ضرورت توجه به ابعاد بیرونی و تأثیرات آن‌ها بر شفافیت مالی را برجسته می‌سازد (ینس و گاپتا، ۲۰۱۸).^۲

(۲) کمبود مطالعات تطبیقی بین کشورهای مختلف: بیشتر تحقیقات انجام شده در این زمینه، به‌ویژه در ایران، به‌صورت ملی و بدون مقایسه با کشورهای با وضعیت مشابه انجام شده‌اند. این در حالی است که تحقیقات تطبیقی می‌توانند درک بهتری از نحوه تأثیر شفافیت مالی بر جذب سرمایه فراهم کنند و به سیاست‌گذاران کمک کنند تا استراتژی‌های بهتری برای جذب سرمایه و بهبود شفافیت مالی تدوین کنند. به عنوان مثال، تحقیقی که رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بررسی کرده است، نشان داد که این رابطه در کشورهای با تحریم‌های شدید

¹ Chen et al

² .Dinc, I. S., & Gupta, P

اقتصادی، ضعیف‌تر است. لذا نیاز به مطالعات تطبیقی بین کشورهای مشابه از لحاظ اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، احساس می‌شود (کوک و تاسکین، ۲۰۱۸).^۱

(۳) عدم توجه به ابزارهای جدید تحلیل مالی: تحقیقات قبلی در اکثر موارد از مدل‌های سنتی تحلیل مالی استفاده کرده‌اند که ممکن است قادر به شبیه‌سازی دقیق‌تر روابط پیچیده بین شفافیت مالی و جذب سرمایه نباشند. در حالی که با پیشرفت تکنولوژی و استفاده از مدل‌های پیچیده‌تر نظیر مدل‌های یادگیری ماشینی^۲ و شبکه‌های عصبی^۳، می‌توان به تحلیل دقیق‌تری از این رابطه دست یافت. بنابراین، استفاده از این ابزارهای نوین در تحقیقات آینده می‌تواند به پر کردن این شکاف تحقیقاتی کمک کند. (هی و همکاران، ۲۰۲۰).^۴

(۴) نیاز به بررسی تأثیر شفافیت مالی در دوره‌های بحران اقتصادی: بسیاری از تحقیقاتی که در زمینه شفافیت مالی و جذب سرمایه انجام شده‌اند، به‌ویژه در ایران، بر دوره‌های عادی اقتصادی تمرکز دارند. اما در دوره‌های بحران اقتصادی، مانند بحران‌های مالی جهانی یا بحران‌های تحریمی ایران، تأثیر شفافیت مالی بر جذب سرمایه ممکن است تغییر کند. این موضوع به‌ویژه در نظام بانکی ایران که تحت تأثیر نوسانات اقتصادی شدید قرار دارد، می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. برخی از تحقیقات جدیدتر نشان داده‌اند که در شرایط بحرانی، شفافیت مالی می‌تواند نقش کمتری در جذب سرمایه داشته باشد و بانک‌ها به عوامل دیگری مانند روابط سیاسی و حمایتی از دولت‌ها نیازمند باشند (خرسند و شعبانی، ۱۴۰۰).

با توجه به این شکاف‌ها، تحقیق حاضر قصد دارد تا با بررسی شفافیت مالی و تأثیر آن بر جذب سرمایه در نظام بانکی ایران، این خلاهای تحقیقاتی را پر کرده و تحلیل‌هایی نوین ارائه دهد که می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا استراتژی‌های بهتری در جهت بهبود شفافیت مالی و جذب سرمایه تدوین کنند.

۴-۱: اهداف تحقیق

با توجه به اهمیت روزافزون شفافیت مالی در ارتقای عملکرد نظام بانکی و نقش آن در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل تأثیر شفافیت مالی بر جذب سرمایه در نظام بانکی ایران است. در شرایطی که بانک‌های کشور با چالش‌هایی همچون تحریم‌های اقتصادی، کاهش اعتماد عمومی و نوسانات شدید بازار سرمایه مواجه هستند، شفاف‌سازی اطلاعات مالی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در بهبود ارتباط میان بانک‌ها و سرمایه‌گذاران عمل کند. این پژوهش تلاش می‌کند با تبیین رابطه میان این دو متغیر، زمینه را برای ارائه راهکارهایی جهت بهبود سیاست‌های بانکی و جذب بهینه منابع سرمایه‌ای فراهم آورد.

اهداف جزئی تحقیق به شرح زیر هستند:

(۱) شناسایی مولفه‌های اصلی شفافیت مالی در بانک‌های ایران

این هدف با تمرکز بر شاخص‌هایی مانند شفافیت گزارش‌های مالی، دسترسی عمومی به داده‌های عملکرد مالی، افشای ریسک‌ها و کیفیت افشا دنبال می‌شود.

^۱ Koc, M., & Taskin, B

^۲ Machine Learning

^۳ Neural Networks

^۴ He et al

۲) **تحلیل رابطه بین میزان شفافیت مالی و حجم سرمایه جذب شده توسط بانکها**
با استفاده از داده‌های واقعی و تحلیل‌های آماری، بررسی می‌شود که آیا بانک‌هایی با سطح شفافیت بالاتر، سرمایه بیشتری جذب می‌کنند یا خیر.

۳) **بررسی نقش تعدیل‌گر متغیرهای کلان اقتصادی (مانند نرخ تورم و نرخ بهره) در رابطه میان شفافیت مالی و جذب سرمایه**

هدف این بخش، ارزیابی اثرگذاری متغیرهای اقتصادی خارجی در تضعیف یا تقویت این رابطه است.

۴) **ارائه الگوی پیشنهادی برای ارتقاء شفافیت مالی با هدف بهبود فرآیند جذب سرمایه**
در این قسمت، با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی کاربردی و بومی‌سازی شده برای افزایش شفافیت مالی در بانک‌ها ارائه می‌شود.

تحقیق حاضر در تلاش است تا علاوه بر پر کردن خلأهای موجود در ادبیات موضوع، بستری برای اتخاذ تصمیم‌های هوشمندانه در حوزه سیاست‌گذاری مالی و بانکی کشور فراهم کند؛ به‌ویژه در شرایطی که جذب سرمایه و اعتمادسازی در نظام بانکی، نقشی کلیدی در پایداری و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند.

بخش دوم: پیشنهاد تحقیق

۱-۲: مفهوم، ابعاد و جایگاه شفافیت مالی در نظام بانکی

شفافیت مالی در سال‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت مالی و سیاست‌گذاری بانکی تبدیل شده و به عنوان پیش‌نیاز اصلی اعتمادسازی در بازارهای مالی شناخته می‌شود. در نظام بانکی، شفافیت مالی به معنای انتشار به‌موقع، دقیق، و قابل اتکای اطلاعات مالی و عملکردی بانک‌هاست، به گونه‌ای که ذی‌نفعان شامل سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران، نهادهای ناظر، و عموم مردم بتوانند ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از وضعیت مالی و ریسک‌های موجود داشته باشند.

این شفاف‌سازی اطلاعات، در چارچوب اصول حاکمیت شرکتی، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری نهادهای مالی انجام می‌گیرد و مستقیماً بر کارآمدی بازارهای سرمایه، اعتبارسنجی بانک‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است. در ادبیات علمی، ابعاد مختلفی برای شفافیت مالی در نظر گرفته شده است که هر کدام نقش متفاوتی در ساختار اطلاعاتی بانک‌ها ایفا می‌کنند. مهم‌ترین این ابعاد عبارت‌اند از:

- **افشای مالی:** میزان و کیفیت اطلاعاتی که بانک‌ها در صورت‌های مالی خود افشا می‌کنند، از جمله ترازنامه، صورت سود و زیان، جریان‌های نقدی، و یادداشت‌های توضیحی.
- **افشای ریسک:** میزان شفاف‌سازی در خصوص انواع ریسک‌هایی که بانک با آن‌ها مواجه است، مانند ریسک اعتباری، نقدینگی، بازار و عملیاتی.
- **قابلیت دسترسی و مقایسه اطلاعات:** در دسترس بودن داده‌های مالی برای عموم، در قالب‌های استاندارد و قابل مقایسه میان بانک‌های مختلف.
- **فرآیندهای کنترل داخلی و نظارت:** وجود نظام‌هایی که صحت اطلاعات مالی را تضمین می‌کنند، مانند حسابرسی داخلی، هیئت‌مدیره مستقل، و کمیته‌های حسابرسی.
- **پاسخ‌گویی مدیریت ارشد:** میزان تعهد مدیریت بانک در ارائه گزارش‌های شفاف و صادقانه و پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد مالی بانک.

شفافیت مالی به عنوان ابزاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی^۱ عمل می‌کند. در بازارهای مالی، اطلاعات ناقص یا پنهان می‌تواند موجب تصمیم‌گیری‌های اشتباه توسط سرمایه‌گذاران و در نتیجه تخصیص ناکارآمد منابع شود. از این رو، بانک‌هایی که اطلاعات مالی دقیق و شفاف ارائه می‌دهند، ریسک درک‌شده‌ی پایین‌تری برای سرمایه‌گذاران دارند و به طور بالقوه قادر به جذب منابع مالی بیشتری هستند. همچنین، شفافیت مالی امکان نظارت مؤثرتر توسط نهادهای مقررات‌گذار را فراهم می‌کند و با کاهش زمینه‌های فساد و سوءمدیریت، کارآمدی سیستم بانکی را بهبود می‌بخشد. مطالعات متعددی در سطح بین‌المللی بر اهمیت روزافزون شفافیت مالی در نظام بانکی تأکید کرده‌اند. بر اساس یافته‌های اخیر کشورهایی که نظام‌های افشای اطلاعات دقیق‌تری دارند، از سطح بالاتری از توسعه بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند می‌شوند. همچنین گزارش‌های منتشرشده توسط صندوق بین‌المللی پول^۲ در سال ۲۰۲۱ بیانگر آن است که افزایش شفافیت اطلاعاتی در بانک‌ها، نه تنها ریسک نکول را کاهش می‌دهد، بلکه موجب ارتقاء ثبات مالی در سطح کلان می‌شود.

با توجه به اینکه در ایران همچنان چالش‌هایی در زمینه استانداردسازی گزارش‌های مالی، نظارت نهادهای مستقل، و دسترسی عمومی به اطلاعات مالی وجود دارد، بررسی دقیق‌تر ابعاد و جایگاه شفافیت مالی در نظام بانکی کشور، پیش‌نیاز اساسی برای اصلاح ساختارهای مالی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی محسوب می‌شود.

۲-۲: نقش شفافیت مالی در بهبود عملکرد بانک‌ها

در ادبیات مالی و اقتصادی، شفافیت مالی همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کارایی، ثبات و عملکرد بلندمدت بانک‌ها شناخته شده است. بانک‌ها به عنوان نهادهای مالی حساس و مبتنی بر اعتماد، در صورتی می‌توانند عملکرد مطلوبی داشته باشند که از منظر اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، سپرده‌گذاران و نهادهای نظارتی قابل ارزیابی و ردیابی باشند. شفافیت مالی دقیقاً همین ظرفیت را فراهم می‌سازد؛ یعنی توانایی درک و پیش‌بینی رفتار مالی بانک بر اساس اطلاعات واقعی و قابل اتکا.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات شفافیت مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی^۱ است. در بازارهای مالی، به‌ویژه در نظام بانکی، نابرابری اطلاعات میان مدیران بانک و سایر ذی‌نفعان نظیر سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر شود. هنگامی که بانک اطلاعات کافی از وضعیت مالی، ریسک‌ها و سیاست‌های خود ارائه نمی‌دهد، سطح ریسک ادراک‌شده افزایش می‌یابد و این مسئله ممکن است به کاهش سپرده‌ها، افزایش هزینه سرمایه و در نهایت ضعف عملکرد بانک منجر شود. شفافیت مالی، با فراهم‌سازی داده‌های کامل و به‌موقع، به کاهش این شکاف اطلاعاتی کمک می‌کند و زمینه را برای تخصیص بهینه منابع فراهم می‌سازد (دایموند و ورسچیا، ۱۹۹۱^۳).

از سوی دیگر، شفافیت مالی می‌تواند هزینه سرمایه را کاهش دهد. سرمایه‌گذاران تمایل دارند منابع مالی خود را در نهادی قرار دهند که ساختار مالی مشخص، عملکرد شفاف، و استراتژی‌های مدیریت ریسک واضح داشته باشد. هنگامی که بانک‌ها با شفافیت بالا فعالیت می‌کنند، ریسک ارزیابی آن‌ها برای بازار پایین‌تر در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه نرخ بازده مورد انتظار کاهش می‌یابد؛ این کاهش، به منزله کاهش هزینه تأمین مالی بانک تلقی می‌گردد.

1. information asymmetry

2. International Monetary Fund

3

شفافیت همچنین نقش مهمی در **افزایش بهره‌وری مدیریتی** ایفا می‌کند. مدیرانی که عملکردشان در معرض دید عمومی و نظارت مستمر است، انگیزه بیشتری برای اتخاذ تصمیمات منطقی و مسئولانه خواهند داشت. به علاوه، نظارت بهتر نهادهای ناظر و ذی‌نفعان، که ناشی از شفافیت اطلاعاتی است، می‌تواند از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه، فساد و سوءمدیریت جلوگیری کند. این نظارت می‌تواند هم از طریق افکار عمومی و هم از طریق مکانیزم‌های رسمی نظارتی اعمال شود.

در بررسی‌های تجربی نیز شواهد متعددی دال بر تأثیر مثبت شفافیت مالی بر عملکرد بانک‌ها گزارش شده است. مطالعه‌ای توسط دارنو و کیم در سال ۲۰۰۵ نشان داد که بانک‌هایی با سطح بالای افشای اطلاعات، نه تنها عملکرد مالی بهتری دارند، بلکه نوسانات درآمدی آن‌ها نیز کمتر است. همچنین بایک و همکارانش در سال ۲۰۲۰ دریافتند که در بانک‌های آسیایی، بین سطح شفافیت و شاخص‌های کارایی عملیاتی، نظیر نسبت درآمد به هزینه، رابطه مثبت معناداری وجود دارد (دارنو و کیم، ۲۰۰۵).^۱

در فضای رقابتی کنونی نظام بانکی، جایی که نهادهای مالی با مخاطرات فزاینده‌ای همچون نوسانات ارزی، تحریم‌های خارجی و تحولات تکنولوژیکی مواجه هستند، شفافیت مالی به عنوان یک مزیت رقابتی نیز شناخته می‌شود. بانک‌هایی که با شفافیت بیشتری فعالیت می‌کنند، نه تنها ریسک‌های سیستماتیک را بهتر مدیریت می‌کنند، بلکه در جذب مشتریان وفادار، افزایش سطح اعتماد عمومی و حفظ جایگاه در بازار مالی نیز موفق‌ترند.

در نهایت باید اشاره کرد که شفافیت مالی نه تنها بر عملکرد مالی تأثیرگذار است، بلکه بُعد نهادی و اعتباری بانک‌ها را نیز ارتقاء می‌دهد. به عبارت دیگر، بانک‌هایی با سطح بالای شفافیت، از منظر اعتماد عمومی، صلاحیت مدیریتی و جایگاه نهادی نیز در سطح بالاتری قرار می‌گیرند. این موارد به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که نظام بانکی با چالش‌هایی همچون بی‌اعتمادی عمومی، ریسک‌های قانونی و فشارهای سیاسی مواجه است، اهمیتی مضاعف می‌یابد (بایک و همکاران، ۲۰۲۰).^۲

۲-۳: جذب سرمایه در نظام بانکی: مفاهیم، چالش‌ها و شاخص‌ها

جذب سرمایه به عنوان یکی از ارکان اساسی پایداری و رشد نظام بانکی، نقشی تعیین‌کننده در افزایش توان تسهیلات‌دهی، بهبود نقدینگی، و ارتقاء رقابت‌پذیری بانک‌ها دارد. در معنای گسترده، جذب سرمایه در نظام بانکی به فرآیند تأمین منابع مالی از طریق سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی، سپرده‌گذاران، نهادهای مالی و حتی منابع خارجی اطلاق می‌شود. در این میان، توانایی بانک در جذب سرمایه تا حد زیادی وابسته به اعتماد بازار، شرایط اقتصادی، و کیفیت اطلاعات مالی منتشرشده توسط آن است.

از منظر نظری، بانک‌ها برای ایفای نقش واسطه‌گری مالی به سرمایه نیاز دارند. بخشی از این سرمایه از طریق سپرده‌های مردمی تأمین می‌شود و بخشی دیگر از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم یا غیرمستقیم. آنچه در این میان اهمیت دارد، **جذاییت اطلاعاتی و اعتباری بانک** برای سرمایه‌گذاران است. زمانی که یک بانک بتواند تصویری شفاف و قابل اتکا از عملکرد، ریسک‌پذیری و برنامه‌های آینده خود ارائه دهد، احتمال بیشتری دارد که منابع مالی بیشتری را از سوی ذی‌نفعان جذب کند.

^۱ . Durnev & Kim

^۲ . Baik et al

با این حال طی تحقیقات بارث و همکارانش در ۲۰۰۴، در عمل جذب سرمایه در نظام بانکی ایران با چالش‌های متعددی همراه است. نخست، **نوسانات اقتصادی و بی‌ثباتی کلان** مانند تورم بالا، تغییرات شدید نرخ ارز، و محدودیت‌های بین‌المللی (تحریم‌ها) باعث شده‌اند که سرمایه‌گذاران با دیدی محتاطانه‌تر وارد تعامل با بانک‌ها شوند. دوم، **نبود شفافیت کافی در صورت‌های مالی و ساختارهای مالکیت بانک‌ها**، باعث افزایش ریسک ادراک‌شده و کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به تزریق منابع مالی می‌شود. سوم، **ضعف در حاکمیت شرکتی و عدم استقلال مدیریتی** در بسیاری از بانک‌ها، به تردیدها در خصوص بهره‌وری سرمایه‌های تزریق‌شده دامن می‌زند (بارث و همکاران، ۲۰۰۴).^۱

در کنار این چالش‌ها، باید به شاخص‌هایی اشاره کرد که به‌طور معمول در ارزیابی جذب سرمایه توسط بانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

- نسبت کفایت سرمایه^۲: که نشان‌دهنده توان بانک در جذب زیان‌ها و حفظ ثبات مالی است.
- نسبت جذب سپرده‌ها به کل منابع: معیاری برای سنجش اعتماد عمومی به بانک.
- میزان سرمایه‌گذاری مستقیم یا سهامی صورت گرفته در بانک توسط سرمایه‌گذاران خصوصی یا نهادی.
- تغییرات در ارزش بازار سهام بانک‌ها (در بانک‌های بورسی (به‌عنوان نمایانگر واکنش بازار به عملکرد و شفافیت اطلاعاتی).
- حجم و نرخ رشد منابع مالی خارجی جذب‌شده در قالب مشارکت‌های بین‌المللی، خط اعتبارات و سرمایه‌گذاری خارجی.

تجربیات کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که موفقیت در جذب سرمایه، ارتباطی مستقیم با میزان شفافیت، ثبات سیاست‌های اقتصادی و سطح حاکمیت شرکتی دارد. بانک‌هایی که به‌صورت دوره‌ای و دقیق اطلاعات عملکرد خود را افشا می‌کنند، در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی جایگاه بهتری دارند و در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی موفق‌تر عمل می‌کنند. در ایران، هرچند اقدامات اولیه‌ای در جهت ارتقاء استانداردهای گزارشگری مالی و الزام به افشای اطلاعات در قالب دستورالعمل‌های بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار صورت گرفته، اما همچنان شکاف‌های قابل توجهی در مسیر جذب پایدار سرمایه وجود دارد. نبود ساختارهای نظارتی کارآمد، تردید در مورد کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌ها، و چالش‌های حقوقی مرتبط با مالکیت و حسابرسی بانک‌ها، از جمله موانع اصلی در مسیر تقویت جریان سرمایه به سمت نظام بانکی کشور محسوب می‌شوند (کلاسنس و یارت اوغلو، ۲۰۱۳).^۳

در چنین شرایطی، شناخت دقیق مؤلفه‌های جذب سرمایه و تبیین رابطه آن با شفافیت مالی می‌تواند راه را برای تدوین سیاست‌های مؤثر در اصلاح ساختار بانکی و افزایش پایداری مالی هموار سازد.

۴-۲: رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه: شواهد بین‌المللی

رابطه میان شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی، یکی از محوری‌ترین موضوعات مورد مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی و مدیریت مالی در سطح جهانی است. بررسی شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد که در اغلب

^۱ Barth, J. R., Caprio Jr, G., & Levine, R

^۲ Capital Adequacy Ratio

^۳ Claessens, S., & Yurtoglu, B. B

نظام‌های مالی توسعه یافته و در حال توسعه، شفافیت اطلاعاتی نقشی کلیدی در تسهیل جریان سرمایه و بهبود دسترسی بانک‌ها به منابع مالی ارزان‌قیمت‌تر ایفا می‌کند.

در کشورهای توسعه یافته، الزام بانک‌ها به ارائه گزارش‌های مالی دقیق، حسابرسی‌های مستقل و افشای کامل ریسک‌ها، سبب شده تا سرمایه‌گذاران از تصویر روشنی از وضعیت مالی بانک‌ها برخوردار شوند و در نتیجه با ریسک ادراک شده پایین‌تری نسبت به سرمایه‌گذاری در آن‌ها اقدام کنند. برای مثال، بانک‌های فعال در اتحادیه اروپا ملزم به رعایت مقررات افشای مالی تحت چارچوب **بازل III** و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)^۱ هستند، که این الزامات مستقیماً بر توان آن‌ها در جذب سرمایه و کاهش هزینه تأمین مالی اثر می‌گذارد.

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که شفافیت مالی بالاتر، هزینه سرمایه پایین‌تری برای بانک‌ها به همراه دارد، چرا که سرمایه‌گذاران درک بهتری از ریسک‌های واقعی بانک‌ها پیدا می‌کنند و تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری بلندمدت در آن‌ها نشان می‌دهند. مطابق با تحقیق انجام شده توسط لئوز و ورساچی در سال ۲۰۰۰، بانک‌هایی که سطح افشا و شفافیت بالاتری دارند، نه تنها از مزایای جذب سرمایه برخوردارند، بلکه واکنش مثبت‌تری از بازارهای مالی در زمان عرضه اولیه سهام یا افزایش سرمایه دریافت می‌کنند (لئوز و ورساچی، ۲۰۰۰).^۲

در سطح بانک‌های آسیایی نیز شواهد حاکی از آن است که شفافیت مالی نه تنها بر جذب سرمایه داخلی، بلکه بر ورود سرمایه‌های خارجی نیز اثرگذار است. بانک‌های مالزی، سنگاپور و کره جنوبی با اجرای سیاست‌های افشای دقیق و انتشار گزارش‌های تفصیلی در سطح بین‌المللی، موفق به جذب مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های بانکی، خطوط اعتباری، و انتشار اوراق قرضه شده‌اند. مطالعه‌ای توسط هاسن و همکارانش در ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین کیفیت افشای مالی و حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۳ در بخش بانکی کشورهای در حال توسعه وجود دارد (هاسن و همکاران، ۲۰۱۱).^۴

در نقطه مقابل، در کشورهایی با سطح پایین شفافیت مانند برخی کشورهای آفریقایی یا آسیای مرکزی، نرخ رشد جذب سرمایه بانکی پایین‌تر است و سرمایه‌گذاران به دلیل عدم اطمینان از اطلاعات مالی، ریسک بیشتری متصور می‌شوند. این مسئله حتی باعث شده تا نرخ بهره مؤسسات مالی این کشورها بالاتر باشد و هزینه تأمین مالی افزایش یابد. از دیگر نمونه‌های قابل توجه، بانک‌های حوزه آمریکای لاتین هستند که پس از بحران‌های مالی دهه ۹۰ میلادی، با اصلاح ساختارهای نظارتی و شفاف‌سازی مالی، توانستند اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی را بازیابی کرده و مجدداً جریان ورودی سرمایه را به بانک‌ها فعال سازند.

در مجموع، شواهد جهانی به روشنی بیان می‌دارند که شفافیت مالی شرط لازم (و نه صرفاً کافی) برای جذب سرمایه پایدار و مؤثر در نظام بانکی است. سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی و ارتقاء عملکرد بانکی، ناگزیر به تقویت چارچوب‌های افشای مالی، استقلال نهادهای حسابرسی و ارتقاء اعتماد عمومی هستند.

1. International Financial Reporting Standards

2. Leuz and Verrecchia

3. Foreign Direct Investment

4. Hassan et al

۵-۲: وضعیت شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و تحولات اخیر

نظام بانکی ایران به عنوان اصلی ترین رکن تأمین مالی در کشور، طی دهه‌های اخیر با مسائل متعددی در حوزه شفافیت مالی و جذب سرمایه مواجه بوده است. در شرایطی که بانک‌ها در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه با پیروی از استانداردهای بین‌المللی نظیر IFRS، چارچوب‌های دقیق گزارشگری و سیاست‌های جذب سرمایه‌گذار فعال عمل می‌کنند، بانک‌های ایرانی هنوز درگیر چالش‌های بنیادینی هستند که مانع از تحقق این اهداف می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، ضعف در ساختار افشای اطلاعات و گزارشگری مالی بانک‌هاست. بسیاری از بانک‌های کشور گزارش‌های مالی خود را با تأخیر و بدون پیروی کامل از استانداردهای بین‌المللی منتشر می‌کنند. علاوه بر این، کیفیت اطلاعات منتشر شده نیز در بسیاری موارد ناکافی، مبهم یا غیرقابل اتکا است. این وضعیت موجب می‌شود سرمایه‌گذاران - چه داخلی و چه خارجی - به ارزیابی دقیق عملکرد بانک‌ها دسترسی نداشته باشند و از تزریق منابع به آن‌ها اجتناب کنند. از سوی دیگر، مشکلات ساختاری مانند مالکیت‌های درهم‌تنیده، بدهی‌های پنهان، مطالبات مشکوک‌الوصول و نبود نظارت مؤثر بر ترازنامه بانک‌ها، باعث شده تا بانک‌های ایرانی اغلب تصویری دقیق و شفاف از وضعیت واقعی خود ارائه ندهند. برای مثال، حجم بالای مطالبات غیرجاری (NPL^۱) که بعضاً تا ۱۵٪ از کل تسهیلات بانکی را شامل می‌شود، به ندرت در گزارش‌های رسمی بانک‌ها به صورت شفاف مطرح می‌شود و این مسئله اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت تضعیف می‌کند.

در زمینه جذب سرمایه، ایران با موانع متعددی روبه‌روست. تحریم‌های مالی و بانکی بین‌المللی، به‌ویژه از سال ۲۰۱۰ به بعد، دسترسی بانک‌ها به منابع سرمایه خارجی را به شدت محدود کرده است. این تحریم‌ها نه تنها کانال‌های جذب FDI را مسدود کرده‌اند، بلکه باعث شده‌اند بانک‌های ایرانی از سیستم‌های مالی بین‌المللی مانند سوئیفت کنار گذاشته شوند، که همین امر مانعی جدی در مسیر تعامل مالی با دنیای خارج محسوب می‌شود. با این حال، طی سال‌های اخیر تلاش‌هایی در جهت اصلاح وضعیت صورت گرفته است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در چند نوبت با تدوین دستورالعمل‌های جدید افشای اطلاعات، بانک‌ها را ملزم به ارائه صورت‌های مالی براساس نمونه‌های بین‌المللی کرده است. همچنین، برخی بانک‌ها از جمله بانک‌های بورسی، شروع به انتشار صورت‌های مالی تلفیقی، گزارش‌های حسابرسی شده و اطلاعات مربوط به ریسک اعتباری کرده‌اند. با این وجود، این تلاش‌ها هنوز پراکنده، نهادینه نشده و اغلب بدون ضمانت اجرایی کافی هستند (صفری و آرامش، ۱۳۹۸).

نکته مهم دیگر، ضعف در حاکمیت شرکتی و عدم استقلال هیئت مدیره‌هاست که باعث شده فرآیندهای تصمیم‌گیری در بانک‌ها شفافیت لازم را نداشته باشند. بسیاری از مدیران بانکی دارای روابط سیاسی یا انتصابی‌اند و نه تنها به پاسخگویی واقعی متعهد نیستند، بلکه ساختار انگیزشی برای افزایش شفافیت نیز در اختیار ندارند. این مسئله نیز از عوامل اصلی کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه بانکی کشور است. در حوزه فناوری اطلاعات و گزارشگری نیز، هرچند گام‌هایی برای پیاده‌سازی سامانه‌هایی نظیر نظام جامع نظارت بانکی (نگین) و سامانه‌های مبارزه با پول‌شویی برداشته شده، اما بهره‌برداری عملی از این ابزارها هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد و انسجام اطلاعاتی میان نهادهای نظارتی و بانک‌ها همچنان ضعیف است.

۱. Non-Performing Loan

در مجموع، شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران در وضعیتی بحرانی اما قابل اصلاح قرار دارد. تا زمانی که ساختارهای نظارتی تقویت نشود، سیاست‌های شفاف‌سازی نهادینه نگردد، و تعامل با نهادهای مالی بین‌المللی برقرار نشود، چشم‌انداز روشنی برای تحول اساسی در این حوزه وجود نخواهد داشت. با این حال، پژوهش‌هایی از این جنس می‌توانند نقش مهمی در تبیین مسیر اصلاحات ایفا کنند و مبنایی برای توصیه‌های سیاست‌گذارانه در سطح کلان باشند (گزارش بانک مرکزی ایران، ۲۰۲۲).^۱

۶-۲: جمع‌بندی ادبیات موضوع و جایگاه تحقیق حاضر در میان مطالعات پیشین

مروار پیشینه پژوهش در حوزه شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده یا بر مفاهیم کلی شفافیت در گزارشگری مالی متمرکز بوده‌اند یا به بررسی عملکرد بانک‌ها از منظر سودآوری و نسبت‌های مالی پرداخته‌اند، بدون آن‌که پیوندی عمیق و تحلیلی میان شفافیت اطلاعاتی و توانایی بانک‌ها در جذب سرمایه به‌ویژه در بستر ایران برقرار کنند. در سطح بین‌المللی، مطالعات فراوانی تأکید دارند که وجود شفافیت در صورت‌های مالی و افشای مناسب اطلاعات، موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه سرمایه می‌شود. با این حال، این مطالعات عموماً در فضای نظام‌های مالی با ساختار نهادینه و پایدار صورت گرفته و در بسیاری موارد، یافته‌های آن‌ها به‌سادگی قابل تعمیم به کشورهای با ساختار خاص اقتصادی و مالی - مانند ایران - نیست. در حوزه داخلی، اگرچه پژوهش‌هایی در خصوص کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌ها انجام شده، اما تحقیقات جامع و منسجمی که به‌طور خاص رابطه‌ی بین شفافیت مالی و جذب سرمایه را در بانک‌های ایران بررسی کنند، بسیار محدودند یا به‌صورت موردی به این موضوع پرداخته‌اند. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از مطالعات انجام‌شده به بعد نظری و توصیفی محدود شده و تحلیل‌های کمی و تجربی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. تحقیق حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران، هم‌خلاف موجود در پژوهش‌های قبلی را برکند و هم با استفاده از داده‌های میدانی و تحلیلی، چارچوبی برای درک بهتر این ارتباط در بستر خاص اقتصادی کشور ارائه دهد. علاوه بر این، این پژوهش می‌کوشد تا ضمن مرور تجربه‌های بین‌المللی، به بررسی امکان‌پذیری پیاده‌سازی مکانیزم‌های شفافیت در ایران بپردازد و نقش آن را در بهبود فرآیند جذب سرمایه داخلی و خارجی تحلیل کند. در نتیجه، جایگاه این تحقیق را می‌توان در پر کردن شکاف موجود میان مطالعات نظری و عملیاتی، و کمک به تدوین سیاست‌های بهبود عملکرد بانکی و اصلاح ساختار افشای اطلاعات در نظام بانکی ایران تعریف کرد.

بخش سوم: روش‌شناسی

۱-۳: نوع تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، ماهیت کاربردی دارد؛ زیرا تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مبانی نظری و چارچوب‌های تحلیلی، به یکی از چالش‌های مهم نظام بانکی کشور - یعنی ضعف در شفافیت مالی و تأثیر آن بر جذب سرمایه - پاسخ دهد. این نوع از تحقیقات معمولاً در مسیر حل مسائل عملی و واقعی در عرصه سیاست‌گذاری، حکمرانی اقتصادی، و تصمیم‌گیری در نهادهای مالی به کار گرفته می‌شوند و نتایج آن‌ها می‌تواند برای مدیران بانک‌ها، سرمایه‌گذاران، ناظران بازار سرمایه و حتی قانون‌گذاران در حوزه مالی قابل استفاده باشد. از منظر شیوه اجرا و ساختار پژوهش، این مطالعه در زمره تحقیقات توصیفی - علی (توضیحی) قرار می‌گیرد. به این معنا که پژوهشگر ضمن توصیف دقیق وضعیت موجود

^۱ Central Bank of Iran (CBI).

و تبیین مفاهیم و شاخص‌های کلیدی، در تلاش است روابط علت و معلولی بین متغیرها را کشف کند؛ به‌ویژه اینکه بررسی نماید آیا و چگونه سطح شفافیت مالی در بانک‌ها می‌تواند میزان جذب سرمایه آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در این تحقیق، داده‌ها به‌صورت پس‌رویدادی^۱ مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ بدین معنا که اطلاعات مرتبط با متغیرهای تحقیق (نظیر شاخص‌های شفافیت، داده‌های جذب سرمایه، نسبت‌های مالی و ...) از بازه‌ای مشخص در گذشته استخراج شده و پژوهشگر هیچ‌گونه دخالتی در تولید یا تغییر آن‌ها نداشته است. این ویژگی، پژوهش را در زمره مطالعات تجربی - تحلیل ثانویه - قرار می‌دهد. از لحاظ نوع داده و روش تحلیل، پژوهش حاضر رویکردی کمی دارد. به این ترتیب که برای بررسی روابط بین متغیرها از شاخص‌های عددی، مدل‌سازی آماری و آزمون فرضیه‌ها بر پایه روش‌های رگرسیونی استفاده می‌شود. این رویکرد، علاوه بر دقت بالای نتایج، امکان سنجش دقیق شدت و جهت روابط را فراهم می‌آورد و به پژوهشگر کمک می‌کند استنباط‌های قابل تعمیم و مبتنی بر شواهد تجربی ارائه دهد. همچنین باید اشاره کرد که این پژوهش از نظر زمان اجرا، مقطعی - طولی^۲ است؛ چراکه داده‌ها نه تنها برای چند واحد آماری (بانک‌ها) بلکه در طول چند سال متوالی گردآوری شده‌اند. این ساختار داده‌ای امکان تحلیل‌های پویا و بررسی تغییرات در طول زمان را فراهم کرده و اعتبار تحلیل‌ها را افزایش می‌دهد.

در مجموع، نوع تحقیق به‌گونه‌ای طراحی شده که بتواند ضمن تلفیق نظریه‌های مالی و چارچوب‌های عملی، بینش‌های معنادار و مبتنی بر داده درباره نقش شفافیت در بهبود ظرفیت جذب سرمایه در نظام بانکی ایران فراهم آورد. با بهره‌گیری از این رویکرد، پژوهش به دنبال ارائه پاسخی دقیق، علمی و قابل اتکا برای ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها در چارچوب واقعیت‌های اقتصادی کشور است (عرب مازار و نوری، ۱۳۹۸).

۲-۳: جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل تمام بانک‌های تجاری، تخصصی و مؤسسات مالی دارای مجوز از بانک مرکزی است که طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ در بازار سرمایه فعالیت داشته‌اند و اطلاعات مالی آن‌ها به‌صورت عمومی و شفاف منتشر شده است. این جامعه به‌صورت هدفمند انتخاب شده تا تمرکز پژوهش بر نهادهایی باشد که هم در نظام رسمی بانکی حضور دارند و هم از منظر افشای اطلاعات در معرض دید عموم و سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند. در گام اول، از میان کلیه بانک‌های فعال، تنها آن‌هایی وارد نمونه آماری شده‌اند که:

- (۱) طی تمام دوره‌ی زمانی تحقیق (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲) در بازار سرمایه پذیرفته شده و فعالیت مستمر داشته‌اند.
- (۲) صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش‌های افشا را در سامانه کدال یا منابع رسمی منتشر کرده‌اند.
- (۳) اطلاعات مرتبط با متغیرهای تحقیق (شاخص‌های شفافیت، سرمایه‌گذاری، متغیرهای کنترلی) برای آن‌ها در تمام سال‌ها در دسترس بوده است.

بر این اساس، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند^۳ به کار گرفته شده است؛ زیرا انتخاب واحدهای نمونه بر پایه ملاک‌های خاص و صلاحدید پژوهشگر صورت گرفته تا دقت تحلیل‌ها و اعتبار نتایج حفظ شود.

^۱ Ex-post Facto

^۲ Panel – Cross-sectional Time Series

^۳ Judgmental Sampling

در نهایت، حجم نمونه بر اساس بانک‌های واجد شرایط، در حدود ۱۰ تا ۱۵ بانک فعال در بازار سرمایه برآورد شده است که اطلاعات دقیق آن‌ها از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر کدال، بانک مرکزی، بورس اوراق بهادار تهران، و سامانه ره‌آورد نوین استخراج شده‌اند. این ساختار جامعه و نمونه آماری، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با حفظ تمرکز و دقت، به تحلیل‌های دقیق و قابل تعمیم در حوزه شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی کشور بپردازد.

۳-۳: شناسایی شاخص‌ها و معیارهای سنجش شفافیت مالی در نظام بانکی

شفافیت مالی به فرآیند ارائه و انتشار اطلاعات مالی به‌طور منظم و قابل فهم برای ذینفعان مختلف، مانند سهام‌داران، سرمایه‌گذاران، و مقامات نظارتی اشاره دارد. در نظام بانکی، شفافیت مالی به‌ویژه به معنای ارائه اطلاعات دقیق و قابل اعتماد از وضعیت مالی بانک‌ها است. این اطلاعات می‌توانند به سرمایه‌گذاران کمک کنند تا تصمیمات بهتری در خصوص سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک اتخاذ کنند. در این بخش، به بررسی شاخص‌ها و معیارهای مختلف سنجش شفافیت مالی در بانک‌ها خواهیم پرداخت. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های کمی و کیفی هستند که به‌طور کلی عملکرد مالی بانک‌ها را ارزیابی می‌کنند. این شاخص‌ها به سرمایه‌گذاران و مقامات نظارتی کمک می‌کنند تا نه تنها وضعیت مالی فعلی بانک‌ها را بررسی کنند، بلکه توانایی آن‌ها در مدیریت ریسک‌ها و تضمین سودآوری بلندمدت را نیز ارزیابی نمایند.

۳-۳-۱: افشای اطلاعات مالی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش شفافیت مالی، **افشای اطلاعات مالی** است. این شاخص به میزان و کیفیت گزارش‌هایی اشاره دارد که بانک‌ها در خصوص وضعیت مالی، عملکرد عملیاتی، و ریسک‌های مختلف خود منتشر می‌کنند. اطلاعاتی که در این بخش باید منتشر شوند شامل موارد زیر است:

- صورت‌های مالی حسابرسی شده: شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، و جریان‌های نقدی که به‌طور رسمی توسط حسابرسان مستقل بررسی و تأیید شده‌اند. این اطلاعات پایه‌ای‌ترین سند برای ارزیابی شفافیت مالی به شمار می‌روند.
- گزارش‌های مدیریت ریسک: این گزارش‌ها باید شامل اطلاعاتی درباره ریسک‌های اعتباری، ریسک‌های نقدینگی، و ریسک‌های بازار باشند. این اطلاعات می‌توانند از طریق شاخص‌های مختلف مانند **نسبت مطالبات غیر جاری (NPL)** و **نسبت کفایت سرمایه (CAR)** ارائه شوند.
- گزارش‌های مستقل و حسابرسی داخلی: بانک‌ها باید گزارش‌هایی از فرآیندهای حسابرسی داخلی و کنترل‌های مالی خود منتشر کنند تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات مالی به‌طور دقیق و شفاف ارائه می‌شود.

۳-۳-۲: مطابقت با استانداردهای بین‌المللی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم شفافیت مالی، مطابقت با استانداردهای بین‌المللی است. در نظام‌های مالی مدرن، به‌ویژه در بانک‌ها، استفاده از استانداردهای حسابداری بین‌المللی مانند استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) می‌تواند به‌طور مؤثری شفافیت مالی را ارتقاء دهد. بانک‌ها باید اطلاعات مالی خود را بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارش کنند تا از صحت و دقت آن‌ها اطمینان حاصل شود. این استانداردها شامل گزارش‌دهی شفاف در خصوص ریسک‌های مالی، وضعیت نقدینگی، و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری است. برای مثال، استفاده از IFRS 9 برای شفافیت در مورد دسته‌بندی مطالبات اعتباری و میزان ارزیابی ریسک‌ها به بانک‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات دقیق و شفاف‌تری را در مورد وضعیت مالی خود ارائه دهند.

۳-۳-۳: شفافیت در خصوص ساختار مالکیت و مدیریت

شفافیت در خصوص ساختار مالکیت و مدیریت نیز یکی دیگر از معیارهای مهم سنجش شفافیت مالی در بانکها است. این شاخص به ویژه در بانکهای بزرگ و سیستمهای مالی پیچیده اهمیت دارد، چراکه می تواند از بروز تضاد منافع و سوءاستفاده های مالی جلوگیری کند.

- اطلاعات دقیق در خصوص مالکیت: باید گزارش هایی منتشر شوند که به طور شفاف نشان دهند که کدام نهادها یا افراد دارای مالکیت یا سهام عمده در بانک هستند. این اطلاعات می توانند شامل جزئیات سهامداران عمده، درصد مالکیت، و نوع حقوق مالکانه باشند.
- ساختار مدیریتی: بانکها باید ساختار مدیریتی خود را به طور کامل افشا کنند و مشخص کنند که چه افرادی در ارکان تصمیم گیری کلیدی حضور دارند. این اطلاعات می تواند شامل جزئیات اعضای هیئت مدیره، مدیران اجرایی، و نقش های آنها باشد.

۳-۳-۴: شفافیت در خصوص عملکرد اقتصادی و مالی

این شاخص به بررسی اطلاعات اقتصادی و مالی بانکها در قالب گزارش های عملیاتی و مالی می پردازد. شاخص های مهم در این بخش شامل موارد زیر هستند:

- نسبت کفایت سرمایه (CAR): این شاخص برای ارزیابی توانایی بانک در مواجهه با ریسک های اقتصادی و مالی به کار می رود و نشان می دهد که بانک چقدر از سرمایه خود را به طور مؤثر برای مقابله با ریسک های مختلف نگهداری می کند. این نسبت باید به طور منظم منتشر شود و شفافیت بانک را در خصوص وضعیت مالی آن تقویت کند.
- نسبت مطالبات غیر جاری (NPL): این نسبت نشان می دهد که چه میزان از مطالبات بانکها در خطر عدم پرداخت قرار دارند. این شاخص برای ارزیابی ریسک های اعتباری و ناتوانی در دریافت وامها از سوی بانکها حیاتی است.
- نسبت نقدینگی: این نسبت بیانگر توانایی بانک در برآورده سازی نیازهای نقدی خود است و از اهمیت زیادی در شفافیت مالی برخوردار است.

۳-۳-۵: میزان دسترسی به اطلاعات و زمان بندی افشا

دسترسی آسان به اطلاعات مالی و زمان بندی مناسب افشای آنها نیز از مهم ترین معیارهای شفافیت مالی است. شفافیت در این حوزه به این معناست که اطلاعات مالی به صورت به موقع و از طریق منابع معتبر و قابل دسترس به عموم افشا می شوند.

این شامل:

- زمان بندی منظم انتشار گزارش ها: بانکها باید گزارش های خود را طبق یک جدول زمانی مشخص و طبق الزامات قانونی منتشر کنند.
- دسترسی آسان به گزارش ها: گزارش ها باید در پایگاه های عمومی مانند سامانه های کدال یا پایگاه های مشابه قرار گیرند تا تمامی ذینفعان (مقامات نظارتی، سرمایه گذاران، و عموم مردم) بتوانند به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند.

۳-۴: مطالعه و تحلیل عوامل مؤثر بر جذب سرمایه در نظام بانکی ایران

جذب سرمایه به ویژه در بخش بانکداری، یکی از عوامل کلیدی برای توسعه اقتصادی پایدار و تقویت توان مالی بانکها در کشورها به شمار می رود. در نظام بانکی ایران، جذب سرمایه با چالش های خاص خود مواجه است که این چالش ها

می‌توانند به‌طور مستقیم بر شفافیت مالی، سلامت اقتصادی، و عملکرد بانک‌ها تأثیر بگذارند. به‌طور کلی، جذب سرمایه به عواملی مختلف وابسته است که می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد.

۱-۴-۳: عوامل اقتصادی کلان

عوامل اقتصادی کلان نقش برجسته‌ای در جذب سرمایه در نظام بانکی دارند. این عوامل می‌توانند از نوسانات اقتصادی گرفته تا سیاست‌های کلان دولت و حتی وضعیت جهانی اقتصاد متغیر باشند. در این راستا، چندین عامل کلیدی به شرح زیر تأثیر زیادی بر جذب سرمایه دارند:

- رشد اقتصادی: یکی از مهم‌ترین عوامل برای جذب سرمایه در هر کشوری، سطح رشد اقتصادی آن است. در ایران، اگرچه اقتصاد کشور به دلیل تحریم‌ها و مسائل داخلی با نوسانات زیادی مواجه است، اما رشد مثبت اقتصادی در برخی از دوره‌ها می‌تواند به عنوان یک سیگنال مثبت برای سرمایه‌گذاران عمل کند. به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور به سمت توسعه پایدار حرکت کند، جذب سرمایه داخلی و خارجی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد.
- نرخ تورم: تورم بالا باعث کاهش قدرت خرید و اثرات منفی بر ثبات مالی بانک‌ها می‌شود. به‌ویژه در کشورهایی مثل ایران که با تورم بالا روبه‌رو هستند، سرمایه‌گذاران ممکن است از سرمایه‌گذاری در بخش بانکی اجتناب کنند. بنابراین، ایجاد سیاست‌های اقتصادی برای کاهش تورم و ایجاد ثبات قیمت‌ها می‌تواند موجب جذب سرمایه در بانک‌ها شود.
- نرخ ارز و تحریم‌ها: یکی از عواملی که به‌طور مستقیم بر جذب سرمایه تأثیر می‌گذارد، تغییرات نرخ ارز و سیاست‌های تحریمی است. در ایران، تحریم‌ها تأثیرات زیادی بر جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارند، زیرا سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل محدودیت‌های قانونی و خطرات ناشی از تحریم‌ها از ورود به بازار ایران اجتناب می‌کنند.

۲-۴-۳: عوامل مرتبط با سیاست‌های دولتی و نظارتی

یکی از ارکان مهم جذب سرمایه در نظام بانکی، سیاست‌های دولتی و نظارتی است که می‌توانند به‌طور مستقیم بر سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر بگذارند. در این خصوص، چندین عامل اساسی وجود دارد:

- سیاست‌های پولی و مالی دولت: سیاست‌های پولی که از سوی بانک مرکزی اتخاذ می‌شوند، به‌ویژه نرخ بهره، تأثیر زیادی بر جذب سرمایه دارند. در صورتی که نرخ بهره بانکی بالاتر از نرخ تورم باشد، این موضوع می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاران را برای جذب سرمایه به سیستم بانکی تقویت کند. همچنین، سیاست‌های مالی دولت، مانند اعطای وام‌های ارزان‌قیمت به بانک‌ها و تسهیلات سرمایه‌گذاری، می‌تواند به جذب سرمایه کمک کند.
- مقررات نظارتی و شفافیت: یکی از عوامل مهم در جذب سرمایه، وجود یک سیستم نظارتی شفاف و کارآمد است که به بانک‌ها و سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که فعالیت‌های مالی به‌طور قانونی و مطابق با استانداردهای بین‌المللی انجام می‌شود. به‌ویژه رعایت استانداردهای جهانی مانند IFRS می‌تواند نشان‌دهنده سلامت مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی باشد و این موضوع باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود.
- تسهیلات قانونی و مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی: دولت‌ها می‌توانند با ارائه مشوق‌های مختلف، مانند معافیت‌های مالیاتی، قوانین جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل شرایط ورود سرمایه به بازار داخلی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهند. در ایران، به‌ویژه پس از برجام و کاهش برخی از تحریم‌ها، توجه به جذب سرمایه خارجی برای نظام بانکی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳-۴-۳: عوامل مرتبط با وضعیت مالی و عملکرد بانک‌ها

وضعیت مالی و عملکرد بانک‌ها خود یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر جذب سرمایه داشته باشد. به‌ویژه بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مالی که ریسک‌های مالی و اعتباری زیادی را تحمل می‌کنند، باید برای جذب سرمایه از منظر مالی و مدیریتی خود بهبود یابند. در این زمینه، چندین عامل کلیدی عبارتند از:

- شفافیت مالی: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از عوامل اصلی که می‌تواند به جذب سرمایه در بانک‌ها کمک کند، شفافیت مالی است. بانک‌ها باید اطلاعات مالی دقیق و به‌موقع در خصوص عملکرد خود را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. این اطلاعات شامل صورت‌های مالی، نسبت‌های مالی، گزارش‌های ریسک، و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری است. شفافیت باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بتوانند ارزیابی دقیقی از وضعیت بانک داشته باشند و به آن اعتماد کنند.
- کفایت سرمایه و مدیریت ریسک: نسبت کفایت سرمایه (CAR) یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها است. این نسبت نشان‌دهنده میزان توانایی بانک‌ها در برابر ریسک‌های مالی است. در صورتی که بانک‌ها این نسبت را در سطح مطلوب حفظ کنند، می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در بانک‌ها ترغیب کنند.
- نسبت مطالبات غیرجاری (NPL): یکی دیگر از شاخص‌های مهم که نشان‌دهنده سلامت مالی بانک‌ها است، نسبت مطالبات غیرجاری است. این شاخص نشان می‌دهد که چه میزان از وام‌های اعطاشده توسط بانک‌ها بازپرداخت نشده‌اند و در معرض ریسک هستند. بالا بودن این نسبت می‌تواند نشان‌دهنده مشکلات مالی بانک باشد و بنابراین بر جذب سرمایه تأثیر منفی بگذارد.

۳-۴-۴: عوامل روان‌شناختی و اعتماد عمومی

اعتماد عمومی و روان‌شناسی سرمایه‌گذاران یکی از عواملی است که به‌طور غیرمستقیم بر جذب سرمایه تأثیرگذار است. سرمایه‌گذاران تمایل دارند که سرمایه‌های خود را به مؤسساتی انتقال دهند که از لحاظ روانی برای آن‌ها امن و قابل اعتماد باشند.

- اعتماد عمومی: سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نیازمند اعتماد به نظام بانکی هستند. هرگونه اختلال در این اعتماد، چه از طریق بحران‌های اقتصادی، چه از طریق فساد مالی یا سوءمدیریت، می‌تواند به کاهش جذب سرمایه منجر شود. بنابراین، بانک‌ها باید در جهت ایجاد اعتماد عمومی از طریق افشای دقیق اطلاعات و شفافیت عملکرد گام بردارند.
- اعتبار و شهرت بانک‌ها: بانک‌هایی که در طول زمان شهرت و اعتبار خوبی کسب کرده‌اند، معمولاً جذب سرمایه بیشتری دارند. این اعتبار می‌تواند از طریق عملکرد مثبت در گذشته، حفظ رابطه طولانی‌مدت با مشتریان و سرمایه‌گذاران، و ارائه خدمات مالی باکیفیت ایجاد شود.

۳-۴-۵: عوامل بین‌المللی و خارجی

در دنیای امروز، عوامل بین‌المللی نیز تأثیرات زیادی بر جذب سرمایه در نظام بانکی دارند. این عوامل شامل وضعیت بازارهای جهانی، تغییرات قیمت نفت، تحولات سیاسی و اقتصادی جهانی، و قوانین بین‌المللی می‌شوند.

- بازارهای جهانی و قیمت نفت: اقتصاد ایران به شدت به درآمدهای نفتی وابسته است و نوسانات قیمت نفت می‌تواند بر جذب سرمایه در نظام بانکی تأثیرگذار باشد. کاهش قیمت نفت می‌تواند موجب کاهش جریان‌های مالی به کشور و کاهش تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به بازار ایران شود.

- تحولات سیاسی بین‌المللی و تحریم‌ها: تحریم‌های بین‌المللی یکی از بزرگ‌ترین موانع جذب سرمایه در ایران به‌شمار می‌رود. این تحریم‌ها محدودیت‌هایی را برای بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند که بسیاری از آن‌ها از سرمایه‌گذاری در بازار ایران خودداری کنند.

۳-۵: روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل‌ها و آزمون‌های آماری

فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های مالی - به‌ویژه در حوزه بانکداری - از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا دقت و روش‌شناسی در تحلیل اطلاعات می‌تواند اعتبار و قابلیت تعمیم نتایج پژوهش را به‌طور چشم‌گیری افزایش دهد. در این پژوهش، با هدف بررسی رابطه میان شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران، تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از رویکردهای آماری و اقتصادسنجی انجام خواهد شد که مبتنی بر روش‌های کمی و تحلیل‌های همبستگی و علیت است. این بخش به صورت گام‌به‌گام به تبیین فرآیند تحلیل داده‌ها می‌پردازد:

۳-۵-۱: آماده‌سازی داده‌ها

در اولین مرحله، داده‌های خام جمع‌آوری شده از بانک‌های منتخب، نهادهای ناظر (همچون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، و منابع معتبر آماری نظیر صورت‌های مالی حسابرسی شده، گزارش‌های سالانه، سامانه کدال، و داده‌های بین‌المللی مانند داده‌های بانک جهانی، IMF و OECD پاک‌سازی و ساختاردهی می‌شوند. این مرحله شامل حذف داده‌های ناقص یا پرت، همگن‌سازی واحدهای اندازه‌گیری و نرمال‌سازی شاخص‌ها برای مقایسه‌پذیری بهتر است.

۳-۵-۲: تعریف متغیرها و شاخص‌سازی

متغیرهای تحقیق شامل متغیر مستقل مانند شفافیت مالی، متغیر وابسته مانند جذب سرمایه و متغیرهای کنترل مانند نرخ تورم، نرخ سود بانکی، کفایت سرمایه، و شاخص‌های حکمرانی شرکتی هستند. برای شفافیت مالی، شاخص‌هایی مانند افشاگری اطلاعات مالی^۲، انطباق با استانداردهای IFRS، کیفیت گزارشگری مالی، و شاخص‌های حاکمیت شرکتی به‌کار گرفته می‌شوند. جذب سرمایه نیز از طریق شاخص‌هایی نظیر ورود سرمایه خارجی به بخش بانکی، رشد سرمایه‌گذاری داخلی در بانک‌ها، یا تغییر در میزان سرمایه ثابتی و جاری بانک‌ها سنجیده می‌شود.

در این راستا، شاخص‌سازی از طریق روش‌هایی مانند تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA^۳) یا محاسبه نمرات وزنی برای ترکیب چند شاخص در قالب یک نماگر صورت می‌گیرد تا دقت اندازه‌گیری متغیرها بالا رود.

۳-۵-۳: آزمون‌ها و مدل‌ها

❖ آزمون نرمال بودن داده‌ها

پیش از ورود به مرحله مدل‌سازی، آزمون‌های نرمال بودن داده‌ها همچون آزمون Kolmogorov-Smirnov یا Shapiro-Wilk به‌منظور بررسی توزیع داده‌ها انجام می‌گیرد. اگر داده‌ها نرمال نباشند، بسته به نوع متغیر، می‌توان از روش‌های غیرپارامتریک یا تبدیل داده‌ها (Log, Box-Cox, Z-score) استفاده کرد.

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. Disclosure Index

3. Principal Component Analysis

❖ آزمون همبستگی

به منظور بررسی ارتباط ابتدایی میان متغیرها، از آزمون‌های همبستگی مانند **Pearson** برای داده‌های نرمال یا **Spearman** برای داده‌های غیرنرمال استفاده می‌شود. این آزمون‌ها مشخص می‌کنند که آیا بین متغیر شفافیت مالی و جذب سرمایه رابطه‌ای مستقیم یا معکوس وجود دارد و شدت این رابطه چقدر است.

❖ تحلیل رگرسیون چندمتغیره

برای تحلیل دقیق‌تر و کنترل تأثیر متغیرهای مداخله‌گر، از مدل **رگرسیون خطی چندمتغیره** استفاده می‌شود. مدل پایه به صورت زیر خواهد بود:

$$\varepsilon_{it} + \beta_{it4}InterestRate + \beta_{it3}Inflation + \beta_{it2}CAR + \beta_{it1}Transparency + \alpha = FDI_{it}$$

که در آن:

- FDI_{it} میزان جذب سرمایه بانک i در زمان t
- $Transparency_{it}$ شاخص شفافیت مالی بانک
- CAR نسبت کفایت سرمایه
- $InterestRate$ نرخ بهره واقعی
- ε_{it} جمله اخلاص

در صورت استفاده از داده‌های پانلی (داده‌های ترکیبی مقطع-زمانی)، آزمون‌هایی نظیر **آزمون چاو (F-Limer)** برای تشخیص بین مدل اثر ثابت و اثر مشترک و **آزمون هاسمن** برای انتخاب بین مدل اثر ثابت یا تصادفی استفاده می‌شود.

❖ تحلیل علیت گرنجر

برای بررسی رابطه علت و معلولی میان متغیرها، از **آزمون علیت گرنجر** استفاده خواهد شد. این آزمون مشخص می‌کند که آیا تغییرات در شفافیت مالی می‌تواند به صورت معنادار تغییرات در جذب سرمایه را پیش‌بینی کند یا خیر. به‌ویژه در داده‌های زمانی، این آزمون در فهم بهتر دینامیک‌های علی نقش مهمی ایفا می‌کند.

❖ آزمون پایایی مدل

برای ارزیابی صحت و پایایی مدل‌های اقتصادسنجی استفاده‌شده، آزمون‌هایی چون:

- آزمون خود همبستگی (Durbin-Watson)
 - آزمون ناهمسانی واریانس (White) یا (Breusch-Pagan)
 - آزمون چندهمخطی بودن (VIF) یا (Condition Index)
- استفاده می‌شود تا از اعتبار نتایج و قابلیت تعمیم آن‌ها اطمینان حاصل شود.

❖ مدل پانل دیتا

دو نوع معروف:

- Fixed Effects (FE)
- Random Effects (RE)

فرم کلی مدل FE

$$\varepsilon_{it} + \beta_{it} + \alpha_i = Y_{it}$$

کاربرد: وقتی داده‌ها ترکیبی از مقطع زمانی و مقطع عرضی (مثل بانک‌های مختلف در بازه‌های زمانی مختلف) هستند.

آزمون‌های مکمل:

- آزمون چاو → (F-Limer) تشخیص اثر ثابت یا معمولی
- آزمون هاسمن → انتخاب بین FE و RE
- آزمون بروش-پاگان → برای تشخیص اثر تصادفی

❖ آزمون علیت گرنجر^۱

فرم ساده شده این آزمون: آیا X میتواند آینده Y را پیش بینی کند؟

$$\varepsilon_t + \gamma_{t-j} X_j \sum_{j=1}^p + \beta_{t-i} Y_i \sum_{i=1}^p + \alpha = Y_t$$

کاربرد این آزمون در بررسی رابطه علی بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در بعد زمانی است.

❖ مدل ARDL^۲

فرم کلی این مدل از قرار زیر می باشد:

$$\varepsilon_t + \gamma_{it} X_j \sum_{j=0}^q + \beta_{t-i} Y_i \sum_{i=1}^p + \alpha = Y_t$$

کاربرد: بررسی روابط کوتاه مدت و بلندمدت بین متغیرها در داده‌های زمانی. حتی وقتی متغیرها ترکیبی از

(0) و (1) باشند.

❖ تحلیل حساسیت و آزمون‌های جایگزین

در گام نهایی، برای بررسی استحکام مدل و اطمینان از پایداری روابط آماری، تحلیل‌های حساسیت انجام می‌شود. این تحلیل‌ها شامل تغییر در نحوه محاسبه شاخص‌ها، حذف برخی از متغیرهای کنترل، استفاده از مدل‌های جایگزین (مانند مدل ARDL، GMM یا مدل‌های پویا)، یا تحلیل رگرسیون مقاوم هستند که نتایج را از منظر پایداری و قابلیت اطمینان مورد بررسی قرار می‌دهند.

۶-۳: روایی و پایایی ابزار پژوهش

اعتبار و اعتمادپذیری ابزارهای پژوهش از جمله مهم‌ترین ارکان تضمین دقت و صحت نتایج یک مطالعه علمی محسوب می‌شود. در مطالعات حوزه بانکداری و مالی به ویژه در پژوهش‌هایی که از پرسش‌نامه یا شاخص‌های ترکیبی برای سنجش مفاهیمی همچون شفافیت مالی و جذب سرمایه استفاده می‌شود ارزیابی روایی^۳ و پایایی^۴ ابزارها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در اعتبار علمی پژوهش ایفا می‌کند و موجب می‌گردد که یافته‌های استخراج‌شده از داده‌ها قابل اعتماد و قابل تعمیم به جامعه هدف باشند. روایی مفهومی به معنای میزان تناسب ابزار اندازه‌گیری با مفهوم نظری مورد مطالعه است در این پژوهش روایی ابزار از طریق چند شیوه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست روایی صوری از طریق نظرخواهی از اساتید و خبرگان حوزه مالی و بانکداری انجام می‌شود بدین صورت که نسخه اولیه شاخص‌های شفافیت

^۱ Granger Causality Test

^۲ Autoregressive Distributed Lag

^۳ Validity

^۴ Reliability

مالی و ابعاد جذب سرمایه در اختیار چند متخصص قرار گرفته و میزان شفافیت بیان مفاهیم و کفایت آیت‌ها در پوشش مفاهیم نظری سنجیده می‌شود دوم روایی محتوا (Content Validity) که به معنای جامع بودن ابزار در پوشش تمام ابعاد مفهوم مورد بررسی است از طریق نظر تخصصی اعضای هیأت علمی و تحلیل تطبیقی با ادبیات نظری حوزه مالی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد در این راستا از روش نسبت روایی محتوا (CVR) با استفاده از فرمول لاوشه^۱ و همچنین شاخص روایی محتوا (CVI) بهره گرفته می‌شود.

علاوه بر این برای ارزیابی روایی سازه^۲ از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده می‌گردد که با بهره‌گیری از نرم‌افزارهایی مانند AMOS یا LISREL روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و سازه‌های پنهان سنجیده می‌شود در این فرآیند شاخص‌هایی نظیر GFI CFI RMSEA و χ^2/df مورد تحلیل قرار گرفته تا مشخص شود ساختار نظری فرض شده در ابزار با داده‌های جمع‌آوری شده هم‌خوانی دارد یا خیر روایی همگرا و واگرا نیز با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی ترکیبی (CR) ارزیابی می‌شوند که اگر AVE از ۰٫۵ بیشتر و CR از ۰٫۷ بیشتر باشد می‌توان ادعا کرد که روایی همگرا برقرار است همچنین برای بررسی روایی واگرا معیار فورنل-لارکر^۳ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پایایی ابزار به معنای ثبات نتایج در زمان‌های مختلف و در شرایط مشابه است در این پژوهش برای بررسی پایایی شاخص‌های مورد استفاده در سنجش شفافیت مالی و جذب سرمایه از چند روش بهره گرفته می‌شود نخست محاسبه ضریب آلفای کرونباخ^۴ برای سنجش هماهنگی درونی گویه‌های هر شاخص استفاده می‌شود به‌طور معمول اگر مقدار آلفا بیشتر از ۰٫۷ باشد پایایی مقبول در نظر گرفته می‌شود همچنین پایایی مرکب که در مدل‌های معادلات ساختاری بسیار معتبر است محاسبه می‌شود این شاخص میزان سازگاری درونی گویه‌ها را به‌صورت دقیق‌تر از آلفای کرونباخ منعکس می‌نماید.

در پژوهش‌هایی که از شاخص‌سازی ترکیبی بهره می‌برند برای سنجش پایایی نتایج شاخص نهایی از روش بازآزمایی نیز استفاده می‌شود بدین صورت که ابزار اندازه‌گیری در دو بازه زمانی به یک گروه یکسان از پاسخ‌دهندگان داده شده و میزان همبستگی بین دو بار اندازه‌گیری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تحلیل می‌گردد اگر این ضریب بالا باشد ابزار از ثبات زمانی برخوردار است.

در مجموع با به‌کارگیری دقیق و چندوجهی روایی و پایایی ابزارهای تحقیق اطمینان حاصل می‌شود که شاخص‌های استخراج‌شده برای شفافیت مالی و جذب سرمایه نه تنها مبتنی بر مفاهیم نظری دقیق و جامع‌اند بلکه از ثبات و قابلیت اطمینان لازم برای تحلیل‌های آماری و نتیجه‌گیری‌های علمی برخوردارند این فرآیند موجب ارتقاء اعتبار پژوهش و افزایش اعتماد مخاطبان علمی به یافته‌های ارائه‌شده خواهد شد.

1. Lawshe

2. Construct Validity

3. Fornell-Larcker Criterion

4. Cronbach's Alpha

بخش چهارم: نتایج و داده ها

۴-۱: شاخص شفافیت مالی بانک ها

بی شک هر اندازه که ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون و پاسخگویی در یک جامعه بیشتر باشد یا از طرفی فساد، مقررات اضافی، بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر، شفافیت اطلاعات نیز بر نهادهای اقتصادی حاکم خواهد بود. اما به طور کلی موضوع شفافیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم می تواند با مولفه های بسیار زیاد و متفاوتی در ارتباط باشد. با نگاهی گذرا به شاخص های نظام بانکی می توان به پاره ای از مهم ترین موضوعاتی که نیاز به توجه و حساسیت بیشتری دارند، اشاره کرد. اهمیت این شاخص ها نه تنها از بعد تقویت یا تضعیف شفافیت در نظام بانکی، بلکه به واسطه بازخوردهای اقتصادی و اجتماعی زیادی که وجود دارد هم اهمیت دوجندانی دارد. در این گزارش سه مولفه جهت بررسی موضوع انتخاب شده است که به توضیح آنها می پردازیم.

(الف) وضعیت مالی بانک ها: در این بخش، بانک باید اطلاعاتی را افشا کند که استفاده کنندگان از اطلاعات (اعم از هیات مدیره، سهام داران، فعالان بازار سهام و نهادهای ناظری چون بانک مرکزی) بتوانند براساس آنها بانک را درخصوص توان پرداخت بدهی و تعهدات خویش و مدیریت نقدینگی ارزیابی کنند. این اطلاعات بیشتر متمرکز بر داده های صورت های مالی بوده (نظیر ماهیت، مقدار و طبقه بندی دارایی ها، بدهی ها و سرمایه بانک) که بانک ها موظفند در زمان مناسب و به صورت حسابرسی شده آنها را در اختیار عموم قرار دهند. در بررسی این مولفه مشخص می شود که از ۲۶ بانک و موسسه اعتباری بررسی شده است.

(ب) مقدار منابع در معرض ریسک: با استفاده از اطلاعات این بخش، ذی نفعان و کاربران اطلاعات بانک خواهند توانست از مقدار منابع در معرض ریسک اطلاع پیدا کرده و نسبت به آینده بانک پیش بینی انجام دهند. اطلاعات افشاشده در این بخش باید به تفکیک دارایی ها بوده تا ذی نفعان بتوانند از قدرت مالی بانک هنگام مواجهه با ورشکستگی ها و خطرات مالی مطلع باشند. این اطلاعات شامل مواردی نظیر ساختار مدیریت ریسک، نسبت کفایت سرمایه و ابزارهای کاهنده ریسک (مانند وثایق، تضمین ها و...) می شود.

(ج) مقررات احتیاطی: تعیین حد برای پرداخت تسهیلات به اشخاص و همچنین میزان وثایق موجود در بانک ها (چه به صورت بدهکار و چه بستانکار) از موارد احتیاطی است که سیستم بانکی ملزم به رعایت آن است، چراکه تعیین حد برای عدم وام دهی به اشخاص و نهادها بیش از حد مجاز آن است و بررسی وثایق برای سنجش بازدهی تسهیلات و... است. به جهت بررسی چنین مولفه ای می توان از لیست تسهیلات و تعهدات و همچنین خالص تسهیلات و تعهدات به تفکیک وثایق استفاده کرد. به دلیل رتبه نامناسب ایران در فساد اداری و بالا بودن مفاسد اقتصادی، بررسی تسهیلات کلان برای شناسایی بدهکاران بزرگ بانکی در اولویت قرار دارد. همچنین به دلیل حضور بانک ها در بنگاه داری، افشای اطلاعات مربوط به دریافت کنندگان تسهیلات کلان نظام بانکی بسیار مهم می نماید.

۴-۲: نسبت کفایت سرمایه بانکهای ایرانی

جدول ۱: نسبت کفایت سرمایه بانکهای ایرانی

ردیف	نام بانک / موسسه	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳
۱	آینده	-۱۵۶/۹	-۳۶۰/۵	-۳۶۰/۵	-۳۶۰/۵
۲	سرمایه	-۶/۰	-۳۲۸/۰	-۳۲۸/۰	-۳۲۸/۰
۳	دی	-۳۹/۰	-۵۳/۵	-۵۳/۵	-۵۳/۵
۴	ایران زمین	-۴۳/۰	-۲۱/۰	-۲۱/۰	-۲۱/۰
۵	شهر	-۱۹/۳	-۶/۲	-۶/۲	-۶/۲
۶	پارسیان	-۷/۷۷	-۳/۵	-۳/۵	-۳/۵
۷	صادرات	۱/۵	۴/۱	۴/۱	۴/۱
۸	ملت	۸/۳	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸
۹	خاورمیانه	۱۳/۱	۱۳/۷	۱۳/۷	۱۳/۷
۱۰	توسعه صادرات ایران	۱۲/۱	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷

این آمار نشان می دهد میانگین و انحراف معیار نسبت کفایت سرمایه در بازه زمانی مورد مطالعه نشان می دهد که برخی بانکها به شدت زیر سطح مطلوب قرار دارند (مثل آینده و سرمایه) و برخی وضعیت باثبات تری دارند (مثل خاورمیانه).

✓ آزمون تحلیل واریانس (ANOVA)

آماره F: 15.26

مقدار p: 0.00000000608

تفسیر: با توجه به مقدار بسیار کوچک p (کمتر از ۰,۰۱)، تفاوت معنی داری بین نسبت کفایت سرمایه بانکهای مختلف در بازه ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که سیاستهای سرمایه ای بانکها اثرگذاری متفاوتی داشته اند.

✓ تحلیل رگرسیون (نمونه: بانک ملت)

• ضریب شیب: 0.98

• عرض از مبدأ: -1363.07

• ضریب تعیین: 0.782

• مقدار P: 0.115

• خطای استاندارد: 0.366

تفسیر:

اگرچه شیب مثبت نشان دهنده روند رو به رشد کفایت سرمایه در بانک ملت است، اما مقدار p بیشتر از ۰,۰۵ است،

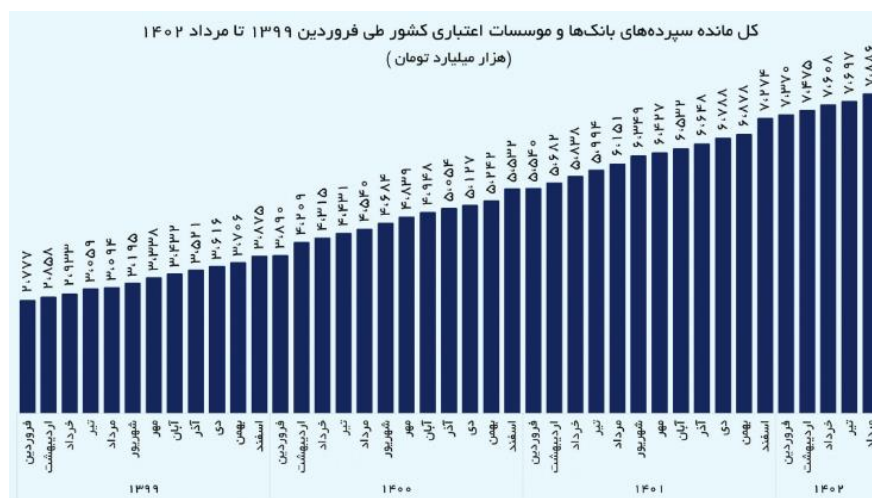
بنابراین این رابطه از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نیست. با این حال، ضریب تعیین بالا (۷۸٫۲٪) نشان می‌دهد که تغییرات نسبت زیادی از کفایت سرمایه توسط زمان قابل توضیح است.

۳-۴: افزایش سپرده بانک‌ها

تحلیل روند افزایشی سپرده‌ها در بازه ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ (مبتنی بر داده‌های مقاله) زمانی که داده‌های مربوط به سپرده‌های دیداری، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت بانک‌ها طی بازه ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ وارد تحلیل شوند، می‌توان بررسی کرد که آیا این افزایش ناشی از جذابیت نرخ سود بوده یا ارتباط مستقیم با اصلاح ساختار مالی بانک، اجرای سیاست‌های شفافیت مالی و یا حتی تبلیغات گسترده و بازاریابی داشته است. در این مسیر، مدل‌سازی‌های آماری مانند رگرسیون خطی چندمتغیره (با سپرده به عنوان متغیر وابسته و سایر شاخص‌ها مانند کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری NPL، سودآوری، حجم دارایی و شفافیت مالی به عنوان متغیرهای مستقل) بسیار مفید خواهند بود.

نتایج مورد انتظار از داده‌ها

در صورتی که در بانک‌هایی با کفایت سرمایه بالا و NPL پایین شاهد افزایش پایدار سپرده باشیم، می‌توان این فرضیه را تقویت کرد که عملکرد مالی مطلوب و شفافیت اطلاعاتی موجب جذب سرمایه و سپرده شده‌اند. برعکس، در بانک‌هایی که رشد سپرده علی‌رغم ضعف شاخص‌های مالی رخ داده، باید به نقش عواملی مانند تبلیغات یا رقابت ناسالم در نرخ سود شک کرد. (گزارش رسمی بانک مرکزی، ۱۴۰۲).



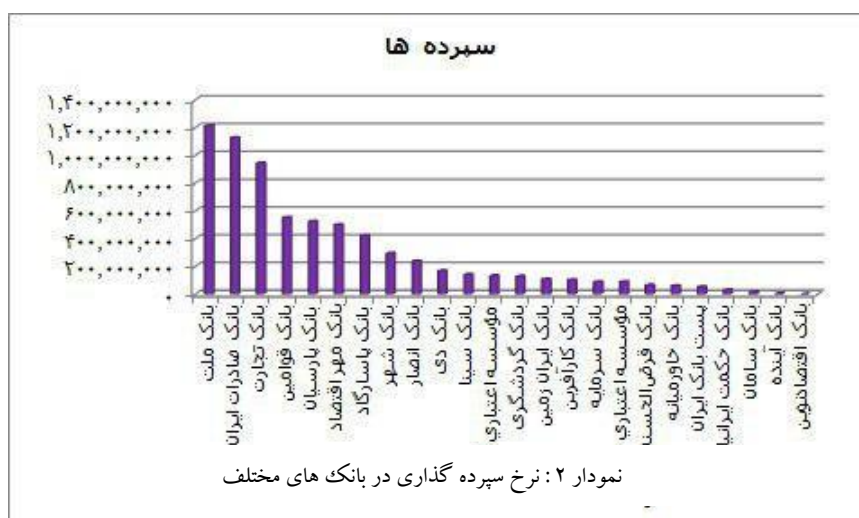
نمودار ۱: نمودار سپرده‌های بانک‌ها و موسسات در دوره ۴۱ ماهه

این گزارش بیانگر این است با افزایش شفافیت میزان اعتماد مردم و افزایش سپرده‌گذاری در بانک‌ها افزایش یافته. در ادبیات بانکداری مدرن، اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت بانک‌ها در جذب منابع مالی از طریق سپرده‌گذاری است. در واقع، در یک نظام بانکی که مشتریان به میزان شفافیت، ثبات و سلامت مالی بانک‌ها آگاه باشند، رفتار سپرده‌گذاری نیز به شکلی کاملاً آگاهانه و مبتنی بر ارزیابی ریسک شکل می‌گیرد. تجربه نظام بانکی ایران نیز در سال‌های اخیر حاکی از آن است که بانک‌هایی با ساختار شفاف‌تر، عملکرد مالی قوی‌تر و حضور نظارتی مستمر، توانسته‌اند سهم بالاتری از سپرده‌های مردمی را به خود اختصاص دهند.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده اعتماد، **شفافیت اطلاعات مالی** است. بانک‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها مطابق با استانداردهای بین‌المللی (IFRS)، به موقع، شفاف و همراه با افشای جزئیات کلیدی مانند میزان مطالبات غیرجاری (NPL)، کفایت سرمایه (CAR)، نرخ سودآوری، دارایی‌های مشکوک‌الوصول و ترکیب پرتفوی سرمایه‌گذاری منتشر می‌شود، از نظر مشتریان بانک‌های قابل اتکاتری محسوب می‌شوند. در مقابل، بانک‌هایی که به دلیل ضعف در افشا، تأخیر در انتشار صورت‌های مالی یا شفاف‌سازی ناکافی عملکرد، با ابهام مواجه‌اند، معمولاً با کاهش اعتماد عمومی و خروج منابع مالی مواجه می‌شوند.

در مطالعات داخلی، شواهد روشنی وجود دارد مبنی بر اینکه **بانک‌های بزرگ و بانکی که شفافیت بیشتری دارند** (مانند بانک ملت، بانک صادرات، بانک ملی و بانک خاورمیانه) نسبت به بانک‌های کوچک‌تر و کم‌شفاف‌تر (نظیر بانک آینده یا بانک سرمایه)، در جذب سپرده موفق‌تر عمل کرده‌اند. در این بانک‌ها، میزان جذب سپرده‌های بلندمدت بیشتر بوده که خود نشانه‌ای از **اعتماد بلندمدت سپرده‌گذاران** به ثبات و پایداری مالی آن‌هاست. حتی بررسی آماری داده‌های سالانه نشان می‌دهد که رشد سپرده‌های این بانک‌ها هم‌راستا با بهبود در شاخص‌های شفافیت مالی و کفایت سرمایه آن‌ها بوده است. افزون بر این، حضور بانک‌های بزرگ در بورس، پایبندی به الزامات نظارتی بانک مرکزی و انتشار گزارش‌های منظم، به این بانک‌ها اعتبار مضاعف بخشیده است. این عوامل در کنار بهره‌گیری از خدمات بانکداری الکترونیکی پیشرفته، باعث شده که این بانک‌ها هم از نظر عملکرد مالی و هم از نظر روان‌شناسی بازار، مقصد امن‌تری برای سرمایه‌های مردم تلقی شوند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که **رابطه معنادار و مستقیمی بین میزان شفافیت مالی بانک‌ها، سطح اعتماد عمومی و میزان جذب سپرده وجود دارد**. در شرایطی که اقتصاد ایران با ریسک‌های بالای تورمی، نوسانات ارزی و ناپایداری بازارهای مالی مواجه است، سپرده‌گذاران به دنبال پناهگاه‌های مطمئن‌تری برای دارایی‌های خود هستند؛ و در این میان، بانک‌های بزرگ و شفاف بیشترین اقبال را به خود اختصاص داده‌اند.



۴-۴: تحلیل شاخص‌های ریسک اعتباری بانک‌های ایرانی

جدول ارائه شده، داده‌های مقایسه‌ای پیرامون وضعیت تسهیلات جاری و غیر جاری و همچنین نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات (NPL) را برای نمونه‌ای از بانک‌های ایرانی در بازه زمانی شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ و سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ ارائه می‌نماید. تحلیل این داده‌ها از منظر ارتباط با جذب سرمایه در نظام بانکی حائز اهمیت است.

تحلیل وضعیت تسهیلات غیر جاری به عنوان شاخص ریسک اعتباری:

نسبت تسهیلات غیر جاری (NPL) به عنوان یک معیار کلیدی در ارزیابی ریسک اعتباری بانک‌ها شناخته می‌شود. سطوح بالاتر NPL دلالت بر افزایش احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی و در نتیجه، افزایش ریسک برای بانک دارد. این امر می‌تواند به طور معناداری بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیرگذار باشد، زیرا سرمایه‌گذاران عموماً از سرمایه‌گذاری در موسسات مالی با سطوح بالای ریسک اعتباری اجتناب می‌نمایند.

بررسی تغییرات NPL به عنوان سیگنال اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران:

تغییرات در نسبت NPL در طول زمان، به ویژه مقایسه دوره مورد بررسی، می‌تواند به عنوان یک سیگنال اطلاعاتی برای ارزیابی عملکرد و وضعیت مالی بانک‌ها تلقی گردد.

- **کاهش در NPL:** این روند نشان‌دهنده بهبود در فرآیندهای مدیریت ریسک اعتباری بانک و ارتقاء کیفیت دارایی‌های آن است. چنین تحولی می‌تواند به عنوان یک علامت مثبت برای سرمایه‌گذاران تلقی شده و منجر به افزایش جذابیت بانک برای جذب منابع سرمایه‌ای گردد.

- **افزایش در NPL:** در مقابل، افزایش در نسبت NPL حاکی از تضعیف کیفیت دارایی‌ها و افزایش سطح ریسک در بانک است. این وضعیت می‌تواند به عنوان یک علامت هشدار برای سرمایه‌گذاران عمل نموده و تمایل به سرمایه‌گذاری در بانک مورد نظر را کاهش دهد.

ناهمگونی در وضعیت بانک‌های مختلف:

تنوع مشاهده شده در سطوح تسهیلات غیر جاری و تغییرات NPL در میان بانک‌های مورد بررسی، بیانگر تفاوت در میزان ریسک اعتباری مترتب بر هر یک از این موسسات مالی است. سرمایه‌گذاران با تحلیل این ناهمگونی‌ها قادر خواهند بود تا بانک‌هایی با پروفایل ریسک پایین‌تر را جهت تخصیص منابع سرمایه‌ای خود شناسایی نمایند.

ارتباط ضمنی با شفافیت مالی:

اگرچه جدول حاضر مستقیماً شاخص‌های شفافیت مالی را ارائه نمی‌دهد، اما می‌توان استدلال نمود که سطح شفافیت مالی بانک می‌تواند به طور غیرمستقیم بر تفسیر داده‌های مربوط به تسهیلات غیر جاری و جذب سرمایه تأثیر بگذارد.

- **بانک‌های با سطح افشای اطلاعات بالاتر:** احتمالاً داده‌های دقیق‌تر و به موقع‌تری در خصوص وضعیت تسهیلات خود منتشر می‌نمایند. این امر امکان ارزیابی دقیق‌تر ریسک را برای سرمایه‌گذاران فراهم آورده و به اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه‌تر کمک می‌نماید.
- **عدم کفایت یا ابهام در اطلاعات منتشر شده:** می‌تواند منجر به افزایش عدم اطمینان در میان سرمایه‌گذاران شده و به طور بالقوه جریان‌های ورودی سرمایه به بانک را محدود نماید. سرمایه‌گذاران عموماً تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در موسسات مالی با ساختار اطلاعاتی شفاف و قابل اعتماد نشان می‌دهند.

جهت تعمیق تحلیل و ارتباط مستقیم تر با فرضیات پژوهش:

- ضرورت دارد تا شاخص های مورد استفاده برای سنجش شفافیت مالی در پژوهش حاضر به طور دقیق مشخص گردند. در صورت دسترسی به داده های مربوط به این شاخص ها برای بانک های مورد بررسی، امکان تحلیل همبستگی بین آنها و متغیرهای مرتبط با تسهیلات غیر جاری فراهم خواهد شد.
- علاوه بر ریسک اعتباری، سایر عوامل مؤثر بر جذب سرمایه در نظام بانکی ایران نیز باید در نظر گرفته شوند. تسهیلات غیر جاری تنها یکی از ابعاد مؤثر در این زمینه است.

بانک	۱۳۹۸		۱۳۹۹		شش ماهه حسابرسی شده ۱۴۰۰		تغییرات در		تغییرات	
	جمع کل	NPL	جمع کل	NPL	جمع کل	NPL	مطالبات غیر	در کل	تسهیلات	در کل
	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی
	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی	تسهیلات غیر جاری از اشخاص غیر دولتی
کارآفرین	۱۸,۶۵۹,۹۴۸	۱۳۳,۰۱۰,۸۶۹	۱۳,۷۵۵,۳۱۸	۲۸۰,۴۷۲,۷۲۵	۱۳,۶۳۲,۹۳۲	۳۴۸,۴۷۴,۹۲۱	۳/۹٪	-۱٪	۲۴٪	۲۴٪
سامان	۳۰,۲۵۷,۶۳۶	۲۳۷,۸۸۲,۴۱۶	۲۸,۲۷۶,۶۹۱	۴۲۶,۱۹۸,۸۱۷	۲۷,۳۲۰,۵۰۶	۵۷۰,۶۹۶,۴۰۳	۴/۸٪	-۳٪	۳۴٪	۳۴٪
تجارت	۱۵۴,۱۵۶,۴۳۰	۹۷۵,۲۶۵,۵۱۶	۱۵۳,۱۲۵,۰۹۸	۱,۶۴۲,۳۴۲,۶۲۳	۱۵۹,۴۱۶,۹۲۴	۲,۰۶۳,۹۶۳,۸۵۴	۷/۷٪	۴٪	۲۶٪	۲۶٪
پاسارگاد	۹۵,۲۳۴,۳۳۸	۱,۱۰۲,۱۸۹,۳۰۱	۱۲۴,۷۸۲,۶۲۳	۱,۸۶۴,۱۲۲,۲۵۱	۱۷۴,۲۶۴,۸۳۵	۲,۱۹۶,۸۲۸,۵۵۱	۷/۹٪	۴۰٪	۱۸٪	۱۸٪
اقتصاد	۶۷,۷۵۸,۷۲۸	۴۵۹,۴۱۰,۷۹۶	۵۹,۰۳۱,۰۳۴	۱,۰۴۹,۷۹۲,۹۴۶	۱۱۵,۵۱۷,۱۸۸	۱,۳۵۹,۲۱۶,۲۱۹	۸/۵٪	۹۶٪	۲۹٪	۲۹٪
نوین										
ملت	۹,۹۱۳,۵۸۶									
صادرات	۱۱۲,۱۹۷,۱۶۴	۱,۰۲۲,۱۸۲,۰۲۲	۵۵۸,۱۱۸,۲۳۸	۱,۰۲۰,۲۵۰,۱۲۶	۵۱۰,۱۳۵,۱۱۱	۱,۰۲۱,۱۲۸,۱۱۸	۱۲/۱٪	-۵٪	۱۰٪	۱۰٪

جدول ۲: گزارش NPL بانک های مختلف

در این راستا، پژوهش حاضر تلاش نموده است تا با بررسی ابعاد مختلف شفافیت مالی و جذب سرمایه، به درک عمیق تری از چگونگی تأثیرگذاری شفافیت مالی بر توانایی بانک ها در جذب منابع مالی دست یابد .

نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در بانک های مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد . به عبارت دیگر، بانک هایی که سطح بالاتری از شفافیت اطلاعاتی را ارائه می دهند، در جذب سرمایه گذاران و سپرده گذاران موفق تر عمل می کنند . این یافته ها با نتایج بسیاری از پژوهش های پیشین در سطح بین المللی همسو است و بر اهمیت شفافیت مالی در تسهیل جریان سرمایه به سمت نظام بانکی تأکید دارد .

این پژوهش همچنین به چالش ها و موانع موجود در مسیر ارتقای شفافیت مالی در نظام بانکی ایران پرداخته است . ضعف در ساختار افشای اطلاعات، عدم رعایت کامل استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، مشکلات ساختاری مانند مالکیت های درهم تنیده و مطالبات غیرجاری، و نیز تحریم های مالی و بانکی بین المللی از جمله مهم ترین چالش های شناسایی شده در این زمینه هستند .

با توجه به نتایج به دست آمده، می توان نتیجه گرفت که ارتقای شفافیت مالی در نظام بانکی ایران می تواند نقش مؤثری در بهبود جذب سرمایه و افزایش اعتماد عمومی به این نظام ایفا کند . این امر مستلزم تلاش هماهنگ از سوی بانک ها، نهادهای نظارتی و سیاست گذاران برای تقویت سازوکارهای افشا، نظارت و استانداردسازی گزارشگری مالی است .

در نهایت، این پژوهش بر اهمیت سیاست‌گذاری در جهت تقویت شفافیت مالی در نظام بانکی ایران تأکید دارد. بهبود شفافیت مالی نه تنها می‌تواند به جذب سرمایه بیشتر کمک کند، بلکه می‌تواند به افزایش کارایی، ثبات و سلامت نظام بانکی و در نتیجه توسعه اقتصادی کشور نیز منجر شود.

بخش ششم: پیشنهادات

با توجه به پژوهش انجام شده، پیشنهادات زیر برای بهبود وضعیت شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران قابل ارائه است:

۱. تقویت سازوکارهای افشا و گزارشگری مالی: بانک‌ها ملزم شوند تا گزارش‌های مالی خود را به صورت دقیق، کامل، به موقع و مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) ارائه دهند. این امر شامل افشای جزئیات مربوط به دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق صاحبان سهام، درآمدها، هزینه‌ها، ریسک‌ها و سایر اطلاعات مرتبط با عملکرد مالی بانک است.
۲. بهبود حاکمیت شرکتی: استقلال هیئت مدیره بانک‌ها تقویت شده و از دخالت عوامل غیرمرتبط در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی جلوگیری شود. سازوکارهای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال عملکرد بانک به طور جدی اجرا شود.
۳. افزایش نظارت: نهادهای نظارتی (مانند بانک مرکزی) نقش فعال‌تر و مؤثرتری در نظارت بر عملکرد بانک‌ها ایفا کنند. استقلال و توانمندی این نهادها تقویت شده و از هرگونه فشار یا مداخله سیاسی در کار آنها جلوگیری شود.
۴. توسعه فناوری اطلاعات و گزارشگری: از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات برای جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و انتشار اطلاعات مالی استفاده شود. سامانه‌های گزارشگری الکترونیکی و آنلاین راه‌اندازی شده و دسترسی آسان و همگانی به اطلاعات مالی بانک‌ها فراهم شود.
۵. مقابله با فساد و پولشویی: اقدامات جدی برای مبارزه با فساد مالی و پولشویی در نظام بانکی انجام شود. سازوکارهای شناسایی و گزارش‌دهی معاملات مشکوک تقویت شده و با متخلفان برخورد قاطع صورت گیرد.
۶. بهبود محیط کسب و کار: سیاست‌های اقتصادی باثبات و پیش‌بینی‌پذیر اتخاذ شده و ریسک‌های کلان اقتصادی (مانند تورم و نوسانات نرخ ارز) کاهش یابد. این امر موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و تسهیل جریان سرمایه به سمت نظام بانکی خواهد شد.
۷. توسعه بازار سرمایه: بازار سرمایه کشور تقویت شده و ابزارهای متنوع مالی برای تأمین مالی بانک‌ها فراهم شود. تعامل بین نظام بانکی و بازار سرمایه افزایش یافته و از ظرفیت‌های هر دو بخش برای تأمین مالی اقتصاد استفاده شود.
۸. رفع تحریم‌های بین‌المللی: تلاش برای رفع تحریم‌های بین‌المللی و ایجاد تعامل سازنده با نهادهای مالی بین‌المللی در دستور کار قرار گیرد. این امر موجب تسهیل دسترسی بانک‌ها به منابع مالی خارجی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی خواهد شد.

اجرای این پیشنهادات می‌تواند به ارتقای شفافیت مالی، افزایش اعتماد عمومی، بهبود جذب سرمایه و در نهایت توسعه و پایداری نظام بانکی ایران کمک کند.

و همچنین پیشنهادات زیر برای محققان در زمینه شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران قابل ارائه است:

۱. توسعه مدل‌های جامع‌تر: محققان آینده می‌توانند با توسعه مدل‌های جامع‌تری که شامل متغیرهای بیشتری از جمله عوامل کلان اقتصادی، ویژگی‌های خاص بانک‌ها و شاخص‌های حاکمیت شرکتی است، به بررسی دقیق‌تر رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه بپردازند.
۲. استفاده از روش‌های تحلیل پیشرفته: بهره‌گیری از روش‌های تحلیل پیشرفته مانند تحلیل سری زمانی، مدل‌های پویا و تکنیک‌های یادگیری ماشین می‌تواند به درک بهتری از پویایی رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در طول زمان کمک کند.
۳. مطالعات تطبیقی: انجام مطالعات تطبیقی بین نظام بانکی ایران و سایر کشورهای در حال توسعه یا کشورهای با شرایط اقتصادی مشابه می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد بهترین شیوه‌ها و چالش‌های خاص این حوزه ارائه دهد.
۴. بررسی تأثیر بحران‌های اقتصادی: تحلیل تأثیر بحران‌های اقتصادی (مانند تحریم‌ها یا نوسانات شدید اقتصادی) بر رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه می‌تواند به شناسایی عوامل کلیدی مؤثر در شرایط بحرانی و ارائه راهکارهای مناسب برای این شرایط کمک کند.
۵. تمرکز بر ابعاد خاص شفافیت مالی: پژوهش‌های آینده می‌توانند بر ابعاد خاصی از شفافیت مالی مانند کیفیت افشا، حاکمیت شرکتی یا پاسخگویی مدیریت تمرکز کرده و تأثیر هر یک از این ابعاد را به طور جداگانه بر جذب سرمایه بررسی کنند.
۶. بررسی تأثیر فناوری اطلاعات: با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات، تحقیق در مورد تأثیر فناوری‌های نوین بر شفافیت مالی و جذب سرمایه و چگونگی استفاده از این فناوری‌ها برای بهبود این رابطه می‌تواند مفید باشد.
۷. تحقیقات کیفی: علاوه بر تحقیقات کمی، انجام تحقیقات کیفی با استفاده از روش‌هایی مانند مصاحبه و مطالعه موردی می‌تواند به درک عمیق‌تری از دیدگاه‌ها و تجربیات ذینفعان مختلف (مانند سرمایه‌گذاران، مدیران بانکی و نهادهای نظارتی) در رابطه با شفافیت مالی و جذب سرمایه کمک کند.
۸. توسعه شاخص‌های اندازه‌گیری: توسعه شاخص‌های دقیق‌تر و جامع‌تر برای اندازه‌گیری شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران می‌تواند به بهبود کیفیت تحقیقات در این حوزه کمک کند.

منابع و مآخ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰). گزارش عملکرد نظام بانکی کشور. برگرفته از: <https://www.cbi.ir>
- روزنامه دنیای اقتصاد. (۱۳۹۹). (مطالبات معوق بانکی به روایت آمار. برگرفته از: <https://www.donya-e-eqtesad.com>
- عصر اقتصاد. (۱۴۰۰). (مطالبات معوق نظام بانکی به ۲۶۰ هزار میلیارد تومان رسید. برگرفته از: <https://asre-eghtesad.com>
- بانکر. (۱۳۹۹). (افزایش مطالبات معوق بانک‌ها. برگرفته از: <https://banker.ir>
- Ali, S., & Naser, K. (2020). Financial transparency and investor confidence: Evidence from the banking sector. *International Journal of Financial Studies*, 8(3), 15. <https://doi.org/10.3390/ijfs8030015>
- Barth, J. R., Caprio, G., & Levine, R. (2004). Bank regulation and supervision: What works best? *Journal of Financial Intermediation*, 13(2), 205-248. <https://doi.org/10.1016/j.jfi.2003.06.002>

- Bushman, R. M., & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1–3), 237–333. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00027-1](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00027-1)
- Ghosh, S. (2017). Transparency, financial inclusion and stability: A cross-country study. *Emerging Markets Review*, 31, 77–90. <https://doi.org/10.1016/j.ememar.2017.03.003>
- Klapper, L., & Love, I. (2004). Corporate governance, investor protection, and performance in emerging markets. *Journal of Corporate Finance*, 10(5), 703–728. [https://doi.org/10.1016/S0929-1199\(03\)00046-4](https://doi.org/10.1016/S0929-1199(03)00046-4)
- OECD. (2020). *Banking Developments in OECD Countries: Recent Trends*. Organisation for Economic Co-operation and Development. <https://www.oecd.org>
- IFRS Foundation. (2021). *International Financial Reporting Standards (IFRS) Overview*. <https://www.ifrs.org>
- World Bank. (2020). *Global Financial Development Report: Bank Regulation and Supervision*. <https://www.worldbank.org>
- Zins, A., & Weill, L. (2016). The determinants of financial inclusion in Africa. *Review of Development Finance*, 6(1), 46–57. <https://doi.org/10.1016/j.rdf.2016.05.001>
- Chen, K. Y., Elder, R. J., & Hsieh, Y. M. (2011). *Corporate governance and earnings management: The implications of corporate governance best-practice principles for Taiwanese listed companies*. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 7(2), 73–105. <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2011.10.002>
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1–3), 405–440. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00018-0](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00018-0)
- Jalali, A., & Rezaei, S. (2018). *The effect of corporate transparency on financial performance in Iranian banks*. *Financial Research Journal*, 20(4), 55–75. [In Persian]
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1998). Law and finance. *Journal of Political Economy*, 106(6), 1113–1155. <https://doi.org/10.1086/250042>
- Moradi, M., Jafari, M., & Amiri, A. (2020). *Investigating the effect of financial transparency on investment decisions in Iranian banks*. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 28(1), 89–110. [In Persian]
- Najafpour, M., & Fakhri, H. (2021). *The relationship between financial reporting quality and capital attraction in the banking industry*. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 101–120. [In Persian]

Abstract

In recent years, financial transparency has garnered increasing attention as a fundamental pillar of good governance in banking systems. This research aims to investigate the relationship between banks' financial transparency levels and the rate of capital attraction within Iran's banking system over a specific period. To this end, key financial transparency indicators, including the extent of financial information disclosure, the quality of financial reporting, and the level of managerial accountability, were initially extracted and operationalized within a conceptual model. Subsequently, using panel data from banks listed on the Tehran Stock Exchange, the impact of these variables on the capital attraction index (comprising deposit growth, capital increase, and attraction of new financial resources) was analyzed. The research findings indicate a positive and significant relationship between financial transparency and capital attraction in the studied banks. In other words, banks that provide a higher level of information transparency have been more successful in attracting investors and depositors. These results underscore the importance of policymaking aimed at strengthening disclosure mechanisms, oversight, and standardizing financial reporting in the Iranian banking system.

Keywords

Financial transparency, capital attraction, information disclosure, Iranian banking system, financial reporting
